بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ

عربی

پایهٔ هشتم

دورهٔ اوّل متوسّطه



از خون دل نـوشتم نزدیک دوست نامه
دارم من از فراقــش در دیده صدعلامـت

إنّـي رَأَيْتُ دَهْراً مِنْ هَجْرِكِ الْقيامـه
لَيْسَتْ دُموعُ عَيْني هٰذي لَنا الْعَـلامه؟

۱۳۹۳

وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- **برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف:** دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسّطه نظری
- **نام کتاب:** عربی پایهٔ هشتم دورهٔ اوّل متوسّطه ــ ۱۲۵
- **شورای تألیف و برنامه‌ریزی‌درسی:** عادل اشکبوس، محی‌الدّین بهرام محمّدیان، حبیب تقوایی، علی جان‌بزرگی، علی چراغی، حسن حیدری، اباذر عباچی، عبدالله یزدانی و فاطمه یوسف‌نژاد
- **مؤلّفان:** عادل اشکبوس، حبیب تقوایی و اباذر عباچی
- **ویراستار:** محمّدکاظم بهنیا
- **آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع:** ادارهٔ کلّ نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
  تهران: خیابان ایرانشهر شمالی- ساختمان شمارهٔ ٤ آموزش و پرورش(شهید موسوی)
  تلفن: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی ۱۵۸٤۷٤۷۳۵۹، وبگاه: www.chap.sch.ir
- **مدیر امور فنّی و چاپ:** سیّد احمد حسینی
- **مدیر هنری:** مجید ذاکری یونسی
- **طرّاح گرافیک، طرّاح جلد، عکاس و صفحه‌آرا:** محمّدمهدی ذبیحی فرد
- **حروفچین:** زینب یوسف نژاد، فاطمه باقری‌مهر، سیّده‌فاطمه محسنی
- **امور آماده‌سازی خبر:** فاطمه پزشکی
- **امور فنّی رایانه‌ای:** مریم دهقان‌زاده، فاطمه رئیسیان فیروزآباد
- **ناشر:** شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، تهران، کیلومتر ۱۷ جادّهٔ مخصوص کرج، خیابان ٦۱ (داروپخش)
  تلفن: ۵-۴۴۹۸۵۱۶۱ ، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰ ، صندوق پستی: ۱۳۹-۳۷۵۱۵
- **چاپخانه:** شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی‌خاص»
- **سال انتشار و نوبت چاپ:** چاپ اوّل ۱۳۹۳

شابک ۸-۲۳۳۰-۰۵-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978-964-05-2330-8



قالَ الْإمامُ الْـخُـمَـيـنـيُّ (رَحِـمَـهُ اللّٰهُ): «اللُّـغَـةُ الْـعَـرَبـيَّـةُ لُـغَـةُ الْإسْـلامِ.»

الْفِهرِس

سخنی با دبیران عربی و گروه‌های آموزشی

برای تدریس این کتاب باید:

۱. کتاب عربی پایهٔ هفتم را تدریس کرده باشید.

۲. دورهٔ آموزشی ضمن خدمت را گذرانده باشید.

۳. کتاب معلّم را تهیّه کنید؛ فایل کتاب معلّم در سایت گروه عربی است.

خدای را سپاس که به ما توفیق دوباره داد؛ تا با نگارش این کتاب به نوجوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی کرده باشیم.

این کتاب دومین کتاب عربی دورهٔ اوّل متوسّطه است. شورای تألیف، شامل گروهی از استادان دانشگاه و معلّمان بوده است. کتاب همچون سال گذشته پیش از چاپ، چندین بار به نقد و بررسی نهاده و تدریس آزمایشی شده است؛ تا اشکالات برطرف و نقاط قوّت آن نیز هرچه بیشتر تقویت گردد.

رویکرد «راهنمای برنامهٔ درسی عربی» بر اساس «برنامهٔ درسی ملّی» **«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم متون دینی و کمک به زبان و ادبیّات فارسی»** است. شیوهٔ کتاب، متن‌محوری است. انتظار می‌رود دانش‌آموز بتواند در پایان سال تحصیلی متون سادهٔ عربی را درست بخواند و معنای آن را بفهمد. در این کتاب نزدیک به ۲۰۰ واژه به کار رفته؛ امّا حدود ٤٠٠ واژهٔ سال گذشته نیز تکرار شده است؛ پس در حقیقت، هدف این کتاب آموزش حدود ٦٠٠ واژهٔ پربسامد زبان عربی است. تألیف کتاب براساس اسناد بالادستی «قانون اساسی»، «برنامهٔ درسی ملّی» و «راهنمای برنامهٔ درسی» انجام شده است. برنامهٔ درسی ملّی، نقشهٔ راه برای تألیف همهٔ کتاب‌های درسی است. راهنمای برنامهٔ درسی عربی نیز که در «شورای برنامه‌ریزی درسی عربی» تهیّه و تنظیم شده نقشهٔ راه برای تألیف کلّیّهٔ کتاب‌های درسی عربی است.

در نگارش کتاب به تجربیّات موفّق کتاب‌های عربی پیشین توجّه شده است و جا دارد از همهٔ نویسندگان کتاب‌های درسی عربی پیشین تشکّر گردد.

کلمات به‌کار رفته در این کتاب، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث و روایات و نیز در زبان و ادبیّات فارسی بسیار به‌کار رفته‌اند. تصاویر، عبارات و متون کتاب افزون بر هدف اصلی؛ تا اندازه‌ای ابعاد تربیتی و فرهنگی نیز دارند.

از آنجا که دانش‌آموز در سال اوّل کلمات بسیاری را آموخته و تا حدودی با ساختار زبان عربی آشنا شده؛ لذا در این کتاب، متن‌ها طولانی‌تر گشته است. در پایهٔ هفتم، آیات قرآنی کمتر به‌کار رفته است؛ زیرا این قابلیّت در کتاب نبود؛ امّا در پایهٔ هشتم، وضعیّت فرق دارد و دانش آموز کلمات بسیاری آموخته و با پاره‌ای از ساختارهای مهمّ زبان عربی آشنا شده است.

بنابه درخواست گروه‌های آموزشی، دبیران و دانش آموزان و به استناد برنامهٔ درسی ملّی مجدّداً مکالمه در کتاب گنجانده شده؛ زیرا مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و به درس عربی جذّابیّت می‌بخشد؛ آن را زبانی پویا و کاربردی نشان می‌دهد، ولی مکالـمه هدف اصلی آموزش کتاب حاضر نیست.

مهم‌ترین توصیه‌ها دربارهٔ شیوهٔ تدریس و ارزشیابی کتاب

۱. این کتاب در ده درس تنظیم شده است. هر درس در دو جلسهٔ آموزشی تدریس می‌شود.

۲. دانش آموز در آغاز راه یادگیری زبان عربی است. شایسته است معلّم به مطالب کتاب بسنده کند و مطلقاً مطالب اضافی آموزش ندهد؛ زیرا آنچه را دانش‌آموز باید بیاموزد، به تدریج فرا خواهد گرفت.

۳. سیاست تألیف در تـمامی‌بخش‌های کتاب، مبنی بر ساده سازی و جذّابیّت است؛ لذا بزرگ‌ترین مسئولیّت معلّم این است که با هنرمندی، کتاب را به ساده‌ترین روش به دانش‌آموز تدریس کند. هنر معلّم، علاقه‌مند کردن دانش‌آموز نسبت به درس عربی است؛ لذا باید در امتحانات از طرّاحی سؤالات معمّاگونه خودداری کرد.

٤. کار عملی در کتاب عربی تهیهٔ انواع کاردستی نیست؛ بلکه کارهایی مانند مکالـمه، نـمایش، سرود، ترجمهٔ تصویری و داستان نویسی است؛ یعنی دانش آموز آموخته‌هایش را در قالب سخن گفتن یا نوشتن به نـمایش بگذارد.

٥. این کتاب افزون بر اینکه مکمّل کتاب پیشین است؛ پشتیبان تثبیت واژگان و ساختار آموزش داده شده در پایهٔ نخست نیز می‌باشد. کتاب‌های سال‌های آینده نیز هر یک به نوبهٔ خود مکمّل کتاب پیش از خود هستند.

۶. در بخش «بدانیم» سعی شده است با شاهد مثال، اصول زبان به دانش‌آموز آموخته شود. ذکر تعاریف و اصطلاحات فقط به منظور فهم بهتر عبارات و متون است و نیازی به حفظ آنها نیست. هدف از بخش‌های «بدانیم» و «فنّ ترجمه» کمک به فهم بهتر متن و عبارت است. آنچه در این بخش آمده، به منظور فهم معنای جملات است. دانش‌آموز آن را می‌آموزد تا به کمک آن درست بخواند، درست بشنود و درست ترجمه کند. هدف اصلی درست خواندن، فهمیدن و ترجمه است. در واقع **قواعد در خدمت فهم عبارت و متن است و این موضوع در بارم‌بندی امتحانات نیز لحاظ شده است. به همین دلیل نمرهٔ بخش قواعد کم است.**

۷. از ارائهٔ «جزوهٔ مکمّل قواعد» به دانش‌آموز خودداری گردد. آنچه در زمینهٔ قواعد لازم بوده در همین کتاب تحت عنوان «بدانیم» آمده است.

۸. طرح سؤالات امتحان کتبی عربی در نوبت اوّل و دوم از ۱۵ نمره است؛ ۵ نمره شفاهی قرائت و مکالمه است.

۹. مطلقاً از طرح سؤالاتی در زمینهٔ «ترجمهٔ فارسی به عربی» خودداری شود؛ زیرا چنین سؤالاتی جزء اهداف عربی سال اوّل و دوم دورهٔ اوّل متوسّطه نیست. دانش‌آموز باید بتواند جملهٔ عربی را بخواند و ترجمه کند و البتّه قدرت تشخیص درست از نادرست را نیز داشته باشد. در سال اوّل و دوم از او «ساختنِ جملهٔ عربی» خواسته نمی‌شود. (در بخش مکالمه، یعنی پاسخگویی به کلمات پرسشی این استثنا وجود دارد؛ زیرا در مکالمه باید بتواند پاسخ کوتاه دهد که انتظار در حدّ یک یا نهایتاً دو کلمهٔ ساده است و نظر به لزوم سرعت عمل در پاسخ دهی به سؤال شفاهی، رعایت ظرافت‌های دشوار و فنّی زبان فعلاً لازم نیست.)

۱۰. تبدیل افعال و ضمایر از اهداف این کتاب نیست و باید از طرح چنین سؤالاتی در هر آزمونی خودداری کرد؛ مثال:

این جمله را به جمع تبدیل کنید: هٰذِهِ الْمَرأةُ ذَهَبَتْ إلی بَیتِها.

در جای خالی کلمات مناسب بنویسید: هُم رَجَعوا مِنْ سَفْرَتِهِم أمْسِ.

... ... مِنْ سَفْرَتِهِم غَداً.

۱۱. همانند کتاب پایهٔ هفتم، هیچ واژه‌ای بیرون از جمله سؤال نشود. ترجمهٔ کلمات، در داخل جمله خواسته شود؛ مثلاً:

ترجمهٔ کلمهٔ مشخّص شده را بنویسید. أنَـا أقْدِرُ عَلَی قِراءَةِ النُّصوصِ الْبَسیـطَـةِ.

۱۲. در پاسخ‌گویی به جملهٔ استفهامی باید به پاسخ کوتاه بسنده شود. پاسخ کامل مدّ نظر نیست. برای نمونه، در پاسخ به چنین سؤالی «بِمَ تَرجِعُ إلَی الْبَیتِ؟» پاسخِ «بالسیـارة»کافی است و نـمرهٔ کامل تعلّق می‌گیرد. به عبارت دیگر لازم نیست چنین پاسخ داده شود:

«أرْجِعُ إلَی الْبَیْتِ بِالسَّـیّارَةِ.»

از آنجا که در رویکردِ برنامهٔ درسی عربی، پرورش مهارت‌های زبانی آمده و سخن گفتن نیز یکی از این موارد است؛ لذا بخش «اسماء و حروف استفهام» استثنا شده است.

در برخی مدارس خاص می‌توان از دانش‌آموزان خواست که پاسخ کامل دهند.

پیشنهاد می‌شود دبیر برای امتحان مکالـمه یک آلبوم عکس تهیّه کند و در آن تصاویر لازم را در اندازه‌های بزرگ داشته باشد؛ آن گاه تصویر کوه را به دانش‌آموز نشان دهد و بپرسد: هَل هٰذا جَبَلٌ؟

تصویر کشاورز را نشان دهد و بپرسد: مَنْ هوَ؟

تصویر گُل را نشان دهد و بپرسد: ما هٰذِهِ؟

تصویر سه کلید را نشان دهد و بپرسد: کَمْ عَدَدُ الْمَفاتیحِ؟

همهٔ سؤالاتی را که معلّم می‌خواهد بپرسد؛ می‌تواند در پشت برگهٔ تصویر برای راحتی کار بنویسد.

در همهٔ این موارد پاسخ کوتاه کافی است. حتّی اگر دانش‌آموز نتوانست پاسخ درست دهد؛ ولی معنای سؤال را بفهمد؛ نیمی‌از نـمره را می‌گیرد. همچنین می‌توان بخشی از نـمرهٔ مکالمه را به معرّفی دانش‌آموز از خودش اختصاص داد. دانش‌آموز باید بتواند در یک دقیقه خودش را به زبان عربی معرّفی کند.

۱۳. هدف در آزمون شفاهی روخوانی ، درست خواندن است. بدیهی است برگزاری آزمون شفاهی در یک روز امکان پذیر نیست. بنابراین، آنچه را دانش‌آموز در طول سال تحصیلی می‌خواند و مجموعهٔ فعّالیّت‌های شفاهی او، نـمرهٔ شفاهی‌اش را

تشکیل می‌دهد. دانش‌آموز در آغاز در مهارت خواندن و شنیدن نیاز به تکرار و تـمرین دارد و به تدریج، این مهارت تقویت می‌گردد. لذا، ملاک نـمره‌دهی، بهترین و آخرین وضعیّت دانش‌آموز است.

۱۴. به منظور تسهیل آموزش و صرفه‌جویی در وقت، در بسیاری از جاهای کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حلّ تـمرین در نظر گرفته شده تا نیازی به دفتر تـمرین نباشد.

۱۵. هرچند کتاب کار در آموزش هر زبانی مناسب است؛ امّا تجربهٔ تلخ نشان داده است اغلب کتاب‌های کار زمینهٔ انحراف از مسیر صحیح آموزش را فراهم می‌کنند و با طرح مباحث غیر ضروری، خارج از اهداف و سؤالات معمّاگونه، قاعده مدارانه و شبیه به کنکور و حجم سنگین و غیر منطقی، زمینه را برای دور افتادن از اهداف آموزشی و آسیب رساندن به روند آموزش فراهم می‌کنند. نداشتن کتاب کار بهتر از داشتن کتاب کار نامناسب است.

۱۶. ما ایمان داریم که کار اصلی را معلّم انجام می‌دهد؛ لذا از همکاران ارجمند درخواست می‌کنیم تا با سیاست دفتر تألیف همگام شوند؛ زیرا به تدریج همهٔ کتاب‌های سال‌های آینده نیز ادامه و مکمّل این کتاب خواهند بود.

در پایان، برای همهٔ همکاران آرزوی موفقیّت داریم. در صورتی که تـمایل دارید از نظریّات شما آگاه شویم، می‌توانید از طریق وبگاه گروه عربی پیغام بگذارید.

همچنین از طریق لینک های این سایت می‌توانید با وبلاگ‌های فعّال معلّمان عربی سراسر کشور آشنا شوید.

نشانی وبگاه گروه عربی: www.arabic-dept.talif.sch.ir

سخنی با اولیای گرامی

این کتاب ادامهٔ کتاب عربی پایهٔ هفتم دورهٔ اوّل متوسّطه و مکمّل آن است. آنچه را دانش‌آموز در سال گذشته در زمینهٔ واژگان و ساختار زبان عربی آموخته است؛ مجدّداً در ضمن عبارات و متون کتاب بازآموزی می‌کند.

در صورت تـمایل می‌توانید با مراجعه به وبگاه(سایت) گروه عربی دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسّطه نظری، راهنمای تدریس معلّم را بارگذاری (دانلود) و از آن استفاده کنید. نشانی وبگاه عربی:

www.arabic-dept.talif.sch.ir

آنچه باید مورد توجّه اولیا در کتاب عربی پایهٔ هفتم و هشتم باشد، این است:

۱. رویکرد برنامهٔ درسی عربی «پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم متون دینی و کمک به زبان و ادبیّات فارسی» است؛

۲. هدف اصلی این کتاب آموزش روان خوانی و ترجمه از عربی به فارسی است؛

۳. ترجمه از فارسی به عربی در تدریس و ارزشیابی هدف آموزشی این کتاب نیست؛

٤. هر گونه تبدیل جمله (از مفرد به مثنّی یا جمع و تبدیل از مذکّر به مؤنّث) از اهداف کتاب نیست؛

۵. در بخش قواعد هیچ مطلبی بیرون از آموخته‌های کتاب نباید آموزش داده شود؛ زیرا دانش‌آموز به تدریج آنچه را در زمینهٔ درس عربی باید بیاموزد خواهد آموخت؛ همچنین اگر قصد کمک به فرزندتان را دارید لطفاً از روش قدیمی آموزش فعل ماضی و مضارع خودداری کنید؛ آموزش فعل ماضی و مضارع در این کتاب بومی‌سازی شده و با

شیوهٔ دستور زبان فارسی هماهنگ شده است. آموزش افعال به‌صورت (من می‌روم. تو می‌روی. او می‌رود. ما می‌رویم. شما می‌روید. آنها می‌روند.) می‌باشد.

٦. بسیاری از کتاب‌های کار موجود در بازار، اهداف مصوّب برنامهٔ درسی عربی را رعایت نمی‌کنند و مطالبی فراتر از آموخته‌های کتاب و با حجم سنگین در حالت معمّا مطرح می‌کنند که موجب خستگی و اتلاف وقت است. بیشتر مطالب اضافه نیز در حوزهٔ قواعد است؛ در حالی که کتاب‌های نونگاشت عربی قاعده محور نیست؛ بلکه متن محور است و در بیست نـمرهٔ امتحانی سهم اندکی دارند.

٧. بسیاری افراد به قاعده محوری در آموزش عربی عادت کرده اند. توجّه داشته باشید که این کتاب متن محور است.

٨. کار عملی در این کتاب، تهیّـهٔ انواع کاردستی نیست؛ بلکه کارهایی مانند اجرای نمایش، مکالمه و سرود به زبان عربی و ترجمهٔ تصویری و داستان نویسی بر اساس تصاویر دنباله‌دار است. کار عملی باید بر اساس مهارت‌های زبانی باشد. همچنین در کتاب درسی برخی فعّالیّت‌های تحقیقی برای دانش‌آموزان پیش بینی شده است؛

٩. از بیست نـمرهٔ امتحانی سه نـمره به روخوانی و دو نـمره به مکالمه اختصاص داده شده است. در مکالمه کافی است دانش‌آموز به جملات دارای کلمات پرسشیِ «هَل، أ، أینَ، ما (ماذا، ماهوَ، ما هيَ)، مَنْ ، لِمَنْ، کَم، لِماذا، مَتَی، کَیفَ» پاسخِ کوتاه دهد؛ (در یک یا دو کلمه) مثال:

هَل أنت مِنَ العِراق؟	- لا.
أ أنتَ صادق؟	- نَعَم.
ما اسْمُـكَ؟	- أحمد.
مَنْ أنتِ؟	- لیلی.
لِمَنْ هٰذِهِ الْحَقیبَة؟	- لِـسعید.
کَم قَلَماً هُنا؟	- أربَعَة.
لِماذا تَقرَأُ الْقُرآن؟	- لِفَهـمِـهِ.
مَتی تَذهَبُ إلَی الْمَدرَسَة؟	- صَباحاً.
کیفَ حالُـكَ؟	- بِخَیر.

سؤالات بخش مکالمه باید بسیار ساده و ابتدایی باشد. تنها جایی که «ساختن» از دانش‌آموز خواسته می‌شود، بخش مکالمه است و در سایر بخش‌های کتاب، چنین هدفی وجود ندارد. در این بخش، نیز در دوره‌های آموزش ضمن خدمت فرهنگیان به دبیران توصیه شده است که پرسش‌های بخش مکالمه باید در نهایت سادگی باشند؛ زیرا دانش‌آموز در آغاز راه یادگیری زبان عربی است؛

۱۰. خوب است بدانید در هر یک از ادارات آموزش و پرورش سراسر کشور بخشی به نام «گروه‌های آموزشی» وجود دارد که معلّمان را در زمینۀ روش‌های تدریس و ارزشیابی، راهنمایی و مشکلات آموزشی را حل می‌کنند؛

۱۱. کتاب بر اساس «برنامۀ درسی ملّی» و با توجّه به «راهنمای برنامۀ درسی عربی» تألیف شده است.

سخنی با دانش‌آموزان

عربی می‌خوانیم زیرا:

۱. زبان قرآن، علوم و معارف اسلامی‌و زبان نخست جهان اسلام است؛

۲. زبان و ادبیّات فارسی با آن درآمیخته و برای فهم بهتر فارسی آشنایی با عربی ضروری است؛

۳. یکی از زبان‌های بین الـمللی و مهمّ جهان است؛

٤. بسیاری از آثار علمی و فرهنگی تاریخ بشر به زبان عربی است.

٥. یکی از شش زبان رسمی‌سازمان ملل متّحد است.

در سال گذشته نزدیک به ٤٠٠ کلمهٔ عربی را آموختید که بسیاری از آنان یا هم خانوادهٔ آنها در زبان فارسی نیز کاربرد دارند. امسال نیز حدود ۲۰۰ کلمهٔ دیگر به آموخته‌های شما افزوده می‌شود. پس در پایان سال تحصیلی، شما معنای حدود ٦٠٠ کلمهٔ عربی را خواهید آموخت.

شاید برخی آموخته‌های خود را از یاد برده باشید. جای نگرانی نیست؛ زیرا این کتاب به گونه‌ای نگاشته شده که آموخته‌های قبلیِ شما در لا به لای عبارت‌ها و متون کتاب پایهٔ هشتم گنجانده شده است.

تکرار و تـمرین در هر درسی به ویـژه درس عربی لازم است. شایسته است تکالیفی را که معلّم برای شما تعیین می‌کند به خوبی انجام دهید تا پایهٔ درسی شما تقویت گردد.







اَلدَّرْسُ الْأَوَّلُ



ـ لِمَنْ هٰذَا الْبَيتُ؟

ـ لِلشّاعِرَةِ الْإيرانيَّةِ بروين اعتصامي.

مُراجَعَـةُ دُروسِ الصَّفِّ السّابِـعِ

اَلْـمُـعْـجَـم

بَسيط: ساده
ثامِن: هشتم

سَنَة دِراسيَّة: سال تحصيلی
مُراجَعَة: دوره



السَّلامُ عَلَيْكُمْ أيُّـهَا الطُّـلّابُ؛

أَهْلاً وَ سَهْلاً فِـي الصَّفِّ الثّامِنِ؛

كَـيْـفَ حـالُـكُـمْ؟

السَّـنَـةُ الدِّراسيَّـةُ الْجَديدَةُ مَبْـروكَـةٌ.

الْحَمْدُ لِلّهِ لِأنَّكُم قادِرونَ عَلَى فَهْمِ الْعِباراتِ الْبَسيطَـةِ.

التَّمْرينُ الْأَوَّلُ

● **سخنان حکیمانهٔ زیر را بخوانید سپس ترجمهٔ ناقص را کامل کنید.**

١. الْعالِمُ بِلا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلا ثَـمَرٍ.

دانشمندِ بدونِ عمل، مانندِ درختِ بدونِ .... است.

۲. مُجالَسَةُ الْعُلَماءِ عِبادَةٌ.

.... با دانشمندان عبادت است.

۳. رِضَا اللّٰهِ فـي رِضَا الْوالِدَينِ.

خشنوديِ خدا در خشنوديِ .... است.

٤. تَفَكُّرُ ساعَةٍ خَيـرٌ مِنْ عِبادَةِ سَبعيـنَ سَنَـةً.

ساعتی اندیشیدن، از عبادتِ .... سال بهتر است.

٥. الْمؤمِنُ قَليلُ الْكَلامِ كَـثيـرُ الْعَمَلِ.

مؤمن، کم حرف و .... است.

٦. أدَبُ الْمَرءِ خَيـرٌ مِنْ ذَهَـبِـهِ.

ادبِ آدمی بهتر از .... اوست.

• حدیث اوّل تا پنجم از پیامبر اسلام صَلَّی‌اللهُ عَلَیهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و حدیث ششم از حضرت علی عَلَیهِ‌السَّلام است.

التَّمْرينُ الثّاني

سخنان حکیمانهٔ زیر را بخوانید، سپس ترجمهٔ درست را انتخاب کنید.

۱. الْوَحْدَةُ خَيرٌ مِنْ جَليسِ السّوءِ.

الف) تنهایی از همنشینِ بد بهتر است. ☐ ب) وحدت از پراکندگی بهتر است. ☐

۲. النَّظَرُ في ثَلاثَةِ أشياءَ عِبادَةٌ: النَّظَرُ في الْمُصحَفِ وَ النَّظَرُ في وَجْهِ الْوالِدَينِ وَ النَّظَرُ في الْبَحْرِ.

الف) نگاه به سه چیز عبادت است: نگاه به قرآن، نگاه به چهرهٔ پدر و مادر، و نگاه به دریا. ☐

ب) نگاه به چند چیز پرستش است: نگاه به مصحف، نگاه به صورت والدین، نگاه به دریا. ☐

۳. الْمُسلِمُ مَنْ سَلِمَ النّاسُ مِنْ لِسانِهِ وَ يَدِهِ.

مسلمان کسی است که مردم …

الف) از زبان و دستش سالم بمانند. ☐ ب) از زبان و دستانش راضی باشند. ☐

٤. سَلامَةُ الْعَيْشِ فِي الْمُداراةِ.

الف) سلامتِ جامعه در مدارا کردن است. ☐ ب) سلامتِ زندگی در مدارا کردن است. ☐

٥. يَدُ اللّهِ مَعَ الْجَماعَةِ.

الف) دست خدا با جماعت است. ☐ ب) یاری خدا در همبستگی است. ☐

٦. إذا مَـلَـكَ الْـأراذِلُ؛ هَـلَـكَ الْـأفـاضِـلُ.

الف) هر وقت پستی حاکم شود؛ فضیلت را نابود می‌کند. ❑

ب) هرگاه فرومایگان به فرمانروایی برسند؛ شایستگان هلاک می‌شوند. ❑

٧. مَـنْ زَرَعَ الْـعُدْوانَ؛ حَصَدَ الْـخُسْرانَ.

الف) هرکس دشمنی کاشت؛ زیان درو کرد. ❑ ب) هرکس بدی کاشت؛ پشیمانی درو کرد ❑

• حدیث اوّل تا سوم از پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و حدیث چهارم تا هفتم از حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ است.

التَّمْرينُ الثّالِثُ

ترجمه کنید.

١. هٰذَا الشّاعِرُ، إيرانـيٌّ. ....

٢. هٰذِهِ الطَّبيبَـةُ، ناجِحَةٌ. ....

٣. ذٰلِـكَ اللّاعِـبُ، فائِـزٌ. ....

٤. تِلْـكَ الْـكاتِبَـةُ، عالِمَـةٌ. ....

٥. هٰذانِ الْـبائِعانِ، شاكِرانِ. ....

٦. هاتانِ الْـبِنتانِ، صابِرَتـانِ. ....

٧. هٰؤلاءِ الْأصدِقاءُ، واقِفـونَ. ....

٨. أولٰـئِـكَ الْأُمَّهاتُ، جالِساتٌ. ....

التَّمْرينُ الرّابِعُ

● با توجّه به تصویر پاسخ کوتاه دهید.



ما هٰذِهِ؟

....



أ هٰذا قَميصٌ أمْ سِروالٌ؟

....



أينَ جَلَسَتْ هٰذِهِ الْـمَرأةُ؟

....



لِـمَنْ هٰذَا الْبَيتُ؟

....



مَنْ هٰذَا الشّاعِرُ؟

....



كَمْ عَدَدُ الْأحجارِ؟

.... أحجارٍ

التَّمْرينُ الْخامِسُ

● زیر هر تصویر، تعداد آن را به عربی بنویسید.

(واحِد / اِثنانِ / ثَلاثَة / أربَعَة / خَمسَة / سِتَّة / سَبعَة / ثَمانيَة / تِسعَة / عَشَرَة / أحَدَعَشَرَ / اِثناعَشَرَ)



....



....



....



....



....



....



....



....



....



....



....



....

التَّمْرينُ السّادِسُ

● **ترجمهٔ درست را انتخاب کنید.**

١. أنَا ما رَجَعْتُ إلى بَيتـي.

من به خانه ام باز نگشتم. ❑ من به خانه برگشتم. ❑

٢. أنتَ فَعَلْـتَ واجِباتِـكَ.

تو تکالیفت را انجام دادی. ❑ تو تکالیف را انجام می‌دهی. ❑

٣. أنتِ غَسَلْتِ مَلابِسَـكِ.

تو لباس را شستی. ❑ تو لباس‌هایت را شستی. ❑

٤. هوَ لَعِبَ مَعَ صَديقِـهِ.

او پیش دوستش بازی می‌کند. ❑ او همراه دوستش بازی کرد. ❑

٥. هيَ طَرَقَتْ بابَ بَيتِـها.

او درِ خانه‌اش را کوبید. ❑ او در خانه‌ای را می‌کوبد. ❑

٦. نَحنُ ذَهَبْـنا إلى صَفِّـنا.

ایشان به کلاس‌هایشان رفتند. ❑ ما به کلاسمان رفتیم. ❑

٧. أنتُم نَصَرْتُم أصدِقاءَكُم.

شما دوستان را یاری می‌کنید. ❑ شما دوستانتان را یاری کردید. ❑

التَّمْرينُ السّابعُ

● ترجمه كنيد.

١. أنتُنَّ كَتَبْتُنَّ دَرسَكُنَّ. ....

٢. أنتُما ذَكَرتُما صَديقَكُما. ....

٣. هُمْ رَفَعوا أيديَهُم. ....

٤. هُنَّ وَصَلْنَ إلى غُرفَتِهِنَّ. ....

٥. هُما قَرُبا مِنْ قَريَتِهِما. ....

٦. هُما وَجَدَتا مِفتاحَهُما. ....

التَّمْرينُ الثّامِنُ

● عبارت‌های مرتبطِ دو ستون را با خطّی به هم وصل كنيد.

فاطمة	سَميرَة
السَّلامُ عَلَيكِ.	صَباحَ النّورِ.
صَباحَ الْخَيرِ.	هُمْ جالِسونَ هُناكَ.
كَيفَ حالُكِ؟	اِسْمي سَميرَةُ.
مَا اسْمُكِ؟	وَ عَلَيكِ السَّلامُ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكاتُهُ.
هَلْ أنتِ مِنَ الْعِراقِ؟	مَعَ السَّلامَةِ، إلَى اللِّقاءِ.
أينَ أُسرَتُكِ؟	أنَا بِخَيرٍ.
في أمانِ اللّهِ.	لا؛ أنَا مِنَ الْكُوَيت.

التَّمْرينُ التّاسِعُ

جاهای خالی را با کلمهٔ مناسبی از داخل پرانتز پر کنید.

(أسوَد/ أبیَض/ أحمَر/ أزرَق/ أخضَر/ أصفَر)



التُّفّاحُ الْـ ....



الرُّمّانُ الْـ ....



الْعِنَبُ الْـ ....



الْوَرْدُ الْـ ....



السَّحاب الْـ ....



الْبَحْرُ الْـ ....

التَّمْرينُ الْعاشِرُ

نام روزهای هفته را به ترتیب در این برنامهٔ هفتگی بنویسید.[1] دو کلمه اضافه است.

(الْخَمیس/ السَّبْت / الْجُمُعَة / الِاثْنَین/ الْأربِعاء / الْأحَد / الثُّلاثاء)

یَومُ	الْعَرَبیَّةُ	الرِّیاضَةُ		الْفارِسیَّةُ
یَومُ	الرِّیاضیاتُ	الْعُلومُ الِاجتِماعیَّةُ	الْعُلومُ التَّجْریبیَّةُ	التَّربیَةُ الدّینیَّةُ
یَومُ	الْعُلومُ الِاجتِماعیَّةُ	تَعلیمُ الْقُرآنِ		التَّفَكُّرُ وَ أُسلوبُ الْحَیاةِ
یَومُ	الْعُلومُ التَّجْریبیَّةُ	الرِّیاضیاتُ		الْعَمَلُ وَ التَّقْنیَةُ
یَومُ	الْإنجلیزیَّةُ	الْإملاءُ	الْإنشاءُ	الثَّقافَةُ وَ الْفَنّ

[1] ــ دانستنِ نام دروس به زبان عربی از اهداف این کتاب نیست.

التَّمْرينُ الْحادِيَ عَشَرَ

● نام هر فصل را بنويسيد.



الـرَّ .... الـصَّ .... الْخَـ .... الـشِّـ ....

التَّمْرينُ الثّانيَ عَشَرَ

● الف) كلمات مترادف و متضاد را معلوم كنيد. = ، ≠

أُمّ .... والِدَة	بَيت .... مَنزل	حَزَن .... فَرَح
ذَهَبَ .... رَجَعَ	أب .... والِد	خَلْف .... وَراء
عُدْوان .... عَداوَة	كَبير .... صَغير	قَريب .... بَعيد
جَميل .... قَبيح	بُستان .... حَديقَة	أمْسِ .... غَد

● ب) كلمات متضاد را دو به دو كنار هم بنويسيد.

قَليل بِدايَة تَحْت غالِيَة كَثير فَوْق آخِر سوء

حُسْن يَمين أوَّل رَخيصَة حارّ يَسار بارِد نِهايَة

....

....

التَّمْرينُ الثّالِثَ عَشَرَ

- كدام كلمه از نظر معنايى يا دستورى با بقيّهٔ كلمات ناهماهنگ است؟

١. مَصنَع ❑	مَكتَبَة ❑	مَدرَسَة ❑	مَلَك ❑
٢. شَعَرْنَ ❑	لاعِبونَ ❑	فاعِلينَ ❑	مُدَرِّسات ❑
٣. رَحِمَ ❑	خافَ ❑	وَراءَ ❑	نَصَرَ ❑
٤. رَجُلانِ ❑	حَدائِق ❑	أشجار ❑	فَواكِه ❑
٥. هَرَبَ ❑	هٰذا ❑	ذٰلِكَ ❑	هٰذِهِ ❑
٦. أنـا ❑	وَردَة ❑	أنتَ ❑	هُمْ ❑
٧. صورَة ❑	لِماذا ❑	كَيفَ ❑	مَنْ ❑
٨. وَقَعَ ❑	قَذَفَ ❑	رُبَّ ❑	سَلِمَ ❑

التَّمْرينُ الرّابِعَ عَشَرَ

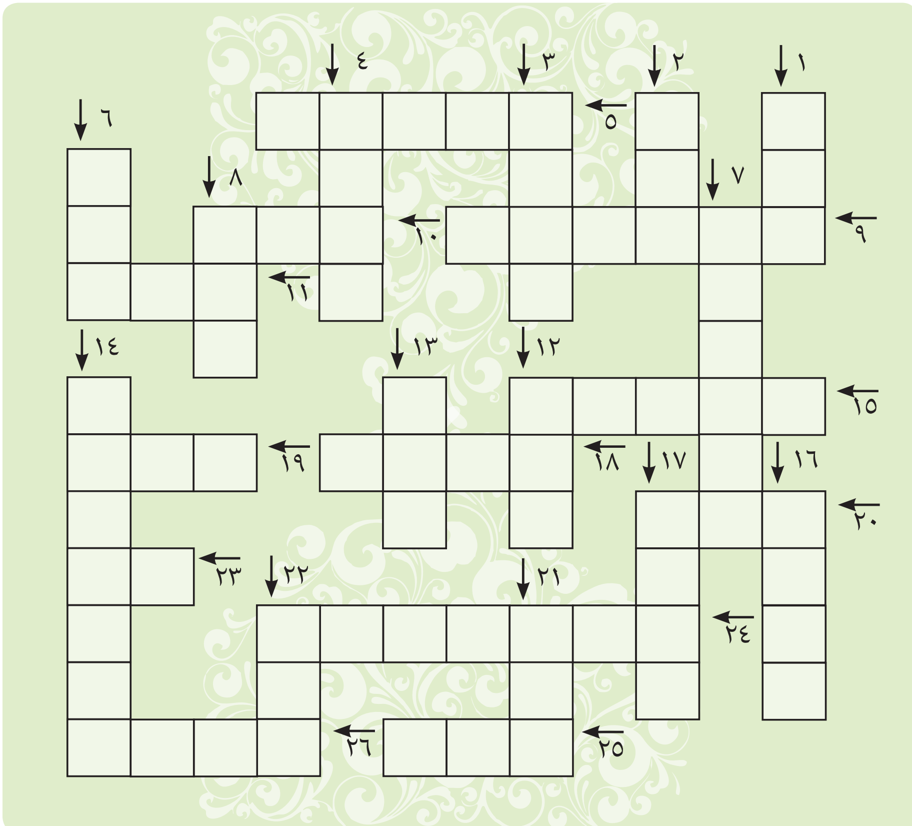
- گزينهٔ مناسب را انتخاب كنيد.

١. مِنْ مَلابِسِ النِّساءِ وَ الْبَناتِ:	اللَّوْحَة ❑	الْفُسْتان ❑
٢. قيمَتُهُ غالِيَةٌ جِدّاً:	الذَّهَب ❑	الْقَميص ❑
٣. عَدَدُ أيّامِ الْأُسبوعِ:	سَبعَة ❑	تِسعَة ❑
٤. مَكانُ الْأشجارِ:	الْفَلّاح ❑	الْحَديقَة ❑
٥. أُمُّ الْأبِ:	الْجَدّ ❑	الْجَدَّة ❑

التَّمْرينُ الْخامِسَ عَشَرَ

ترجمهٔ این کلمات را در جدول بنویسید.

١- ثَمانيَة	٢- شَهْر	٣- وَصَلَ	٤- أُسبوع	٥- أسْرار
٦- لَيْتَ	٧- ما ذَهَبْنا	٨- طَريق	٩- وَحْدَة	١٠- شَبَكَة
١١- نار	١٢- كُلّ	١٣- مَدينَة	١٤- ما أكَلْنا	١٥- نَجْم
١٦- صَفّ	١٧- سَفينَة	١٨-سَمَكَة	١٩- أحمَر	٢٠- مُساعَدَة
٢١- كانَ	٢٢- عِنْد	٢٣- باب	٢٤- صَيْف	٢٥- وَجَع
٢٦- رَأيْتُ				



التَّمْرينُ السّادِسَ عَشَرَ

- این کلمات را در جای مناسبی از جدول بنویسید.

(حَقائِب / یَومانِ / واقِفینَ / أحیاء / حَرَمَـینِ / مؤمِنات / فائِزونَ / ناجِحات)

مثنّی	جمع مذکّر سالم	جمع مؤنّث سالم	جمع مکسّر

الدَّرْسُ الثّاني



أ تَذهَبينَ مَعَ أُخْتِكِ؟

لا؛ أذهَبُ مَعَ صَديقَتي.

الدَّرْسُ الثّاني

اَلْمُعْجَم

الْحَمدُ لِلّهِ: ستایش از آنِ خداست.

أمثال: مثل‌ها

أيضاً: همچنين

تَعَلُّم: ياد گرفتن

جَعَلَ : قرار داد

خَدَمَ : خدمت كرد

أذكُرُ: به ياد می‌آورم ← ذكر: به ياد آورد

رَبُّ الْعالَمينَ: پروردگار جهانيان

سَهْل، سَهلَة: آسان

عالَم: جهان

«**عالَميَّة:** جهانی، بين المللی/

عالَمينَ: جهانيان»

عَرَفَ : شناخت، دانست

أعرِفُ: می‌دانم

تَعرِفُ: می‌دانی «مذكّر»

تَعرِفينَ: می‌دانی «مؤنّث»

فَهِمَ : فهميد

تَفْهَمُ: می‌فهمی

تَفْهَمينَ: می‌فهمی

قَبْلَ أُسْبوع: هفتهٔ قبل

قَدَرَ : توانست

أقدِرُ: می‌توانم

كَأنَّ : گويا، انگار

كَتَمَ : پنهان كرد

كُلّ: همه، هر

لِكُلِّ شَيء: برای هر چيزی، هر چيزی دارد

لِسان: زبان «مترادف: لُغَة»

مُنَظَّمَة: سازمان

مُنَظَّمَةُ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَة: سازمان ملل متّحد

مُبين: آشكار، آشكاركننده

نَجَحَ : موفّق شد

نُصوص: متن‌ها «مفرد: نَصّ»

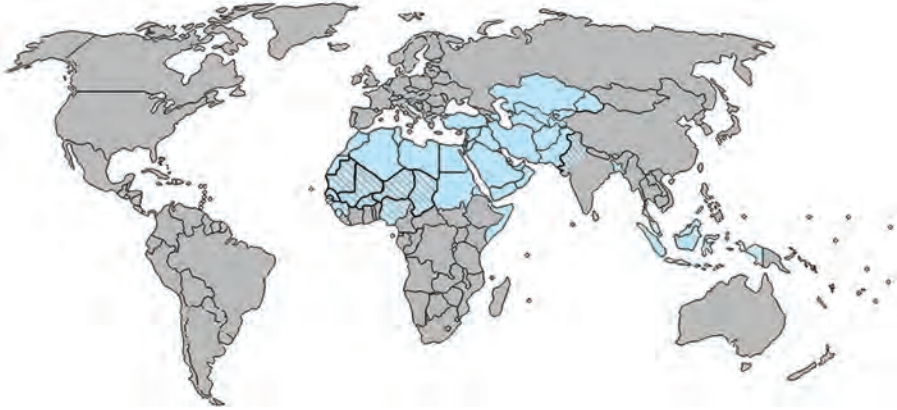
أهَمّيَّةُ اللُّغَةِ الْعَرَبيَّةِ

﴿الْحَمدُلِلّهِ رَبِّ الْعالَمينَ﴾ لِأنَّنا نَجَحْنا فِي السَّنَةِ الْماضيَةِ وَ قادِرونَ عَلَى قِراءَةِ الْعِباراتِ وَ النُّصوصِ الْعَرَبيَّةِ الْبَسيطَةِ.

الْعَرَبيَّةُ لُغَةُ دينِنا وَ نَحنُ بِحاجَةٍ إلَى تَعَلُّمِها؛ لِأنَّ اللُّغَةَ الْفارِسيَّةَ مَخلوطَةٌ بِها كَثيراً.

إنَّ الـلُّـغَـةَ الْـعَـرَبيَّـةَ مِـنَ الـلُّغاتِ الْعـالَمـيَّـةِ.

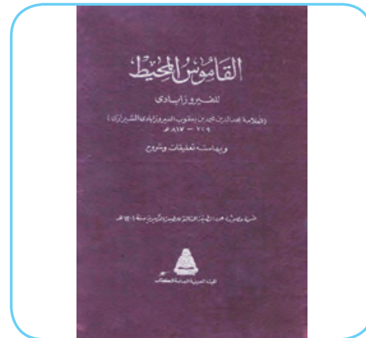
الْـقُرآنُ وَ الْـأحاديثُ ﴿بِـلِسانٍ عَـرَبِـيٍّ مُـبيـنٍ﴾.



الْعـالَـمُ الْإسْـلـاميُّ

الْـعَـرَبيَّـةُ مِنَ اللُّغـاتِ الـرَّسـميَّـةِ فـي مُـنَـظَّـمَـةِ الْـأُمَـمِ الْـمُـتَّـحِدَةِ.

الْإيرانيّـونَ خَـدَموا اللُّغَـةَ الْـعَـرَبيَّـةَ كَـثيـراً. «الْـفيروزآباديُّ» كَـتَـبَ مُعجَماً فِـي الـلُّغَـةِ الْـعَـرَبيَّـةِ اسْمُـهُ «الْـقاموسُ الْـمُحيطُ» و «سيبَـوَيْـهِ» كَـتَـبَ أوَّلَ كِتابٍ كامِلٍ في قَـواعِدِ الـلُّغَـةِ الْـعَرَبيَّـةِ اسْمُـهُ «الْكِتابُ».





أكـثَـرُ أسماءِ الْـأولادِ وَ الْـبَناتِ فِـي الْـعالَـمِ الْـإسلاميِّ عَـرَبِـيٌّ.

الْكَلِماتُ الْعَرَبيَّةُ، كَثيرَةٌ فِي الْفارِسيَّةِ وَ هٰذا بِسَبَبِ احْتِرامِ الْإيرانيّينَ لِلُغَةِ الْقُرآنِ.

أنَا أعرِفُ مَعنَى كَلِماتٍ كَثيرَةٍ وَ أذكُرُ كُلَّ كَلِماتِ السَّنَةِ الْماضيَةِ وَ أقدِرُ عَلَى قِراءَةِ النُّصوصِ الْبَسيطَةِ جاءَ فِي الْأمثالِ: «الْعِلْمُ فِي الصِّغَرِ كَالنَّقشِ فِي الْحَجَرِ.»

يا أخي، أ أنتَ تَعرِفُ مَعنَى كَلِماتِ الْكِتابِ الْأوَّلِ أيضاً؟

يا أُختي، أ أنتِ تَفهَمينَ مَعنَى الْآياتِ وَ الْأحاديثِ السَّهْلَةِ؟





فعل مضارع (١)

الْفِعلُ الْمُضارِعُ ⬅ (أفْعَلُ) ، (تَفْعَلُ ، تَفْعَلينَ)



أنَا أكتُبُ بِالْقَلَمِ الْأسوَدِ.

....



أنَا أكتُبُ بِالْقَلَمِ الْأحمَرِ.

....



أنتَ تَحْفَظُ الْقُرآنَ جَيِّداً.

....



أنتِ تَحْفَظينَ الْقُرآنَ بِدِقَّةٍ.

....

بدانیم

سال گذشته با فعل ماضی آشنا شدید فعل ماضی بر زمان گذشته دلالت دارد. امسال با فعل مضارع آشنا می‌شوید. فعل مضارع بر زمان حال و آینده دلالت می‌کند. به مقایسهٔ فعل‌های عربی و فارسی توجّه کنید.

فعل ماضی	ترجمه	فعل مضارع	ترجمه
أَنَا فَعَلْتُ.	من انجام دادم.	أنَا أفْعَلُ.	من انجام می‌دهم.
أنتَ فَعَلْتَ.	تو انجام دادی.	أنتَ تَفْعَلُ.	تو انجام می‌دهی.
أنتِ فَعَلْتِ.		أنتِ تَفْعَلينَ.	

بیشترِ کلمه‌هایی که بر آهنگ «فَعَلَ ، فَعِلَ و فَعُلَ» هستند؛ فعل ماضی‌اند و

اگر بر سرِ آنها یکی از حروف «أَ ، تَـ ، نَـ ، یَـ » بیاید؛ به فعل مضارع تبدیل می‌شود؛

مثال: ذَهَبَ ⬅ أَذْهَبُ، تَذْهَبُ، تَذْهَبینَ

ذَهَبْتُ	رفتم	أذهَبُ	می‌روم
صَنَعْتُ	....	أصنَعُ	....
عَلِمْتَ	دانستی	تَعلَمُ	می‌دانی
زَرَعْتَ	....	تَزرَعُ	....
عَرَفْتِ	شناختی	تَعرِفینَ	می‌شناسی
قَبِلْتِ	....	تَقبَلینَ	....

التَّمارين

التَّمْرينُ الْأَوَّلُ

با توجّه به متن درس جمله‌های درست و نادرست را معلوم کنید.

	درست	نادرست
١. قَليلٌ مِنْ أسماءِ الْأولادِ وَ الْبَناتِ فِي الْعالَمِ الْإسلاميِّ عَرَبيٌّ.		
٢. كَتَبَ سيبَوَيهِ أوَّلَ كِتابٍ كامِلٍ في قَواعِدِ اللُّغَةِ الْفارِسيَّةِ.		
٣. كَتَبَ الْفيروزآباديُّ مُعجَماً فِي اللُّغَةِ الْعَرَبيَّةِ.		
٤. الْإيرانيّونَ خَدَموا اللُّغَةَ الْعَرَبيَّةَ قَليلاً.		

التَّمْرينُ الثّاني

ترجمه كنيد.



ماذا تَفْعَلُ يا وَلَدُ؟

أَنْظُرُ إلى صورَةٍ.

....

....



ماذا تَفْعَلينَ يا سَيِّدَةُ؟

أقْرَأُ كِتابَ الشِّعْرِ.

....

....



هَلْ تَصنَعُ كُرسيّاً؟

لا؛ أصنَعُ مِنضَدَةً.

....

....



أ تَذهَبينَ مَعَ أُخْتِكِ؟

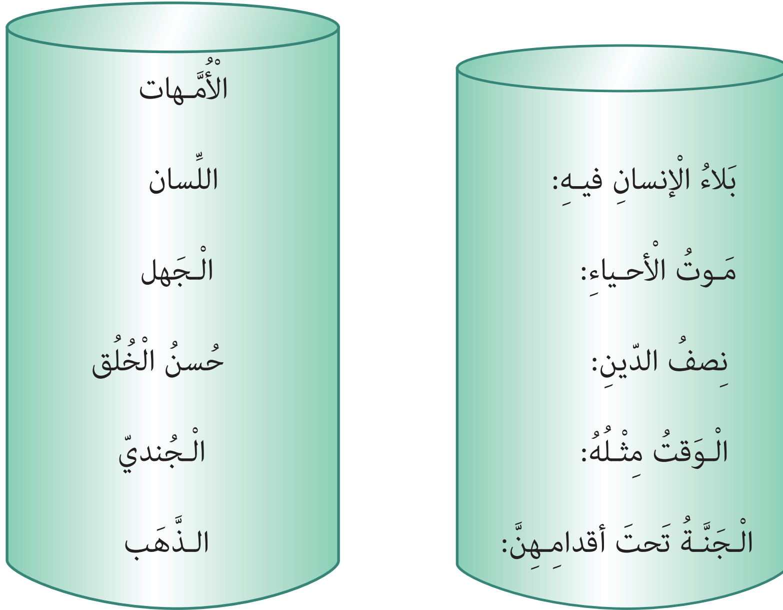
لا؛ أذهَبُ مَعَ صَديقَتي.

....

....

التَّمْرينُ الثّالِثُ

● **هر کلمه را به توضیح مرتبط با آن وصل کنید.** «یک کلمه اضافه است».



التَّمْرينُ الرّابِعُ

● **ترجمه کنید. سپس فعل ماضی و مضارع را مشخّص کنید.**

١. ﴿وَ جَـعَـلْـنا مِنَ الْـماءِ كُـلَّ شَـيءٍ حَـيٍّ﴾ الأنبياء ٣٠

....

٢. أنتِ حَفِظْتِ سورَةَ النَّصرِ وَ الْآنَ تَحفَظيـنَ سورَةَ الْـقَدرِ.

....

٣. أنَـا دَخَـلْـتُ الـصَّفَّ الـثّانـي وَ أنتَ تَـدخُـلُ الـصَّفَّ الْـأوَّلَ.

....

٤. أنتَ قَـبِلْـتَ كَـلامَ والِـدِكَ وَ الْـآنَ تَـعـمَـلُ بِـهِ.

....

التَّمْرينُ الْخامِسُ

● گزینهٔ مناسب را انتخاب کنید.

١. أ أنتِ .... بِـجَمْعِ الْفَواكِـهِ بَعدَ يَومَيـنِ؟ بَـدَأتُ ☐ تَـبْـدَئـيـنَ ☐

٢. أ أنتَ .... الْبابَ قَـبـلَ دَقيقَـتَـيـنِ؟ طَـرَقْـتَ ☐ تَـطْـرُقُ ☐

٣. أنَـا .... عَنْ طَريقِ الْـجَنَّـةِ في حَياتي. بَـحَـثْـنا ☐ أبْـحَـثُ ☐

٤. يا أُختي، هَلْ .... التُّـفّاحَـةَ قَبلَ دَقيقَةٍ؟ أكَلْتَ ☐ تَـأكُلينَ ☐

٥. أ أنتَ............................ فِـي الْـمَصنَعِ أمْسِ؟ عَـمِـلْـتَ ☐ تَـعْـمَلينَ ☐

التَّمْرينُ السّادِسُ

● مانند مثال ترجمه کنید.

↲						
نَظَرَ: نگاه کرد	أنظُرُ	نگاه می‌کنم	تَنظُرُ	نگاه می‌کنی	تَنظُرینَ	نگاه می‌کنی
سَألَ: پرسید	أسألُ	....	تَسألُ	....	تَسألینَ	....
سَمَحَ: اجازه داد	أسمَحُ	....	تَسمَحُ	....	تَسمَحینَ	....
ذَكَرَ: یاد کرد	أذكُرُ	....	تَذكُرُ	....	تَذكُرینَ	....

التَّمْرينُ السّابِعُ

با استفاده از کلمات زیر، جدول را کامل کنید و رمز را به دست آورید.

اِمرَأة/ عالَم/ لُغَة/ کَلامُكَ/ سِتَّة/ قُدرَتُ/ نُصوص/ تَعَلُّم/ تَفهَمُ/ سَهل/ صَنَعتُما/ بَسیط/ رَفَعتَ/ نَجَحوا/ أیضاً

رمز ↓

۱. جهان

۲. زبان

۳.یاد گرفتن

٤.موفّق شدند «مذکّر»

٥.بالا بردی

٦. ساده

۷. شش

۸.می‌فهمی«مذکّر»

۹. متن‌ها

۱۰.توانستم

۱۱.همچنین

۱۲. آسان

۱۳. ساختید «مثنّی»

١٤. سخن تو

۱٥. زن

رمز: « .... ». حضرت علی علیه‌السلام

التَّمْرینُ الثّامِنُ

(گفت‌وگو با زبان قرآن) در گروه‌های دو نفره مکالـمه کنید. «پاسخ کوتاه کافی است».

۱. کَیفَ حالُـكَ؟	کَیفَ حالُـكِ؟
۲. مَـا اسْـمُـكَ؟	مَـا اسْـمُـكِ؟
۳. مَن أنتَ؟	مَن أنتِ؟
۴. أینَ أنتَ؟	أینَ أنتِ؟
۵. هَل أنتَ مِن کرج؟	هَل أنتِ مِن کرج؟

ساختار درس دوم و سوم

عربی	فارسی	عربی	فارسی
أنَا أکْتُبُ.	من می‌نویسم.	درس ٤ و ٥	ما می‌نویسیم.
أنتَ تَکْتُبُ. أنتِ تَکْتُبینَ.	تو می‌نویسی.	درس ٦ و ٧	شما می‌نویسید.
درس ٤ و ٥	او می‌نویسد.	درس ٨ و ٩	آنها می‌نویسند.

كَنْزُ الْحِكمَةِ

● بخوانید و ترجمه کنید.

لِكُلِّ شيءٍ طَريقٌ وَ طَريقُ الْجَنَّةِ الْعِلْمُ. رسولُ اللّهِ صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم

....

الْعِلْمُ أفضَلُ مِنَ الْعِبادَةِ. رسولُ اللّهِ صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم

....

زَكاةُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ. الإمامُ عَليٌّ علیه‌السلام

....

مَنْ سَألَ، عَلِمَ. الإمامُ عَليٌّ علیه‌السلام

....

مَنْ كَتَمَ عِلماً، فَكَأنَّهُ جاهِلٌ. الإمامُ عَليٌّ علیه‌السلام

....

چه وبگاه (سایت) یا وبلاگ مناسبی در زمینهٔ آموزش زبان عربی می‌شناسید؟





الدَّرْسُ الثّالِثُ



أنَا طَبّاخَةٌ. سَأطْبُخُ طَعاماً لَذيذاً.

الدَّرْسُ الثّالِثُ

اَلْمُعْجَم

آخَر : دیگر
أَحَبَّ: دوست داشت
أُحِبُّ: دوست دارم
تُحِبُّ: دوست داری
أصحابُ الْمِهَن: صاحبان شغل‌ها
أَمْن: امنیّت
بَيْع: فروش
بِلاد: کشور، شهرها «مفرد: بَلَد»
تَقَدُّم: پیشرفت
حَدّاد : آهنگر
حَلْوانيّ : شیرینی فروش
خامِس، خامِسَة : پنجم
السّاعَةُ الْخامِسَةُ: ساعت پنج
خَبّاز : نانوا
خُبْز : نان
رُزّ: برنج

رَسائِل : نامه‌ها «مفرد: رِسالَة»
رِياضَة : ورزش
سَـ ، سَوفَ: نشانهٔ آینده
سَأصيرُ: خواهم شد
شَرَحَ : شرح داد
شُرْطيّ : پلیس
صارَ: شد
سَوفَ أصيرُ: خواهم شد
طِبُّ الْعُيون : چشم پزشکی
طَبّاخ : آشپز
طَبَخَ : پخت
طَبْخ: پختن، آشپزی
عَلَينا بِاحتِرام: باید احترام بگذاریم
عَنْ: دربارهٔ، از
عَنْها: درباره‌اش
عَيْن : چشم، چشمه «جمع: عُيون»

غايَة : پایان
غايَةُ الْعَقْل: نهایت عقل
فَحَصَ : معاینه کرد
فَحْص: معاینه کردن
قاطِع: بُرنده
كُرَةُ الْقَدَم : فوتبال
«كُرَة: توپ+ قَدَم: پا»
مَرْضَى : بیماران «مفرد: مَريض»
مُستَقبَل : آینده
مُمَرِّض : پرستار
مُوَظَّف : کارمند
نَوافِذ: پنجره‌ها «مفرد: نافِذَة»
مِهْنَة : شغل «جمع: مِهَن»
مُهَندِسٌ زِراعيٌّ : مهندس کشاورزی

مِهْنَتُكَ فِي الْمُستَقبَلِ

دَخَلَ الْمُدَرِّسُ الصَّفَّ وَ قالَ: «دَرسُ الْيَومِ حَولَ مِهْنَةِ الْمُستَقبَلِ. فَسَأَلَ أيَّ مِهنَةٍ تُحِبُّ؟»

صادِقٌ: أنَا أُحِبُّ الزِّراعَةَ. لِأنّها عَمَلٌ مُهِمٌّ لِتَقَدُّمِ الْبِلادِ. سَوفَ أصيرُ مُهَندِساً زِراعيّاً.



ناصِرٌ: أنَا أُحِبُّ بَيْعَ الْكُتُبِ؛ لِأنَّ الْكُتُبَ كُنوزٌ و قالَ رَسولُ اللّهِ صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم عَنْها: «الْكُتُبُ بَساتينُ الْعُلَماءِ.»



قاسِمٌ: سَأَصيرُ مُخْتَرِعاً وَ سَوفَ أَصْنَعُ جَوّالاً جَديداً.



منصورٌ: أنَا أُحِبُّ الرِّياضَةَ. أنَا لاعِبٌ مُمتازٌ في كُرَةِ الْقَدَمِ.



أمينٌ: أنَا أُحِبُّ طِبَّ الْعُيونِ. سَوفَ أصيرُ طَبيباً لِخِدمَةِ النّاسِ.



الطُّلّابُ ذَكَروا أصحابَ الْمِهَنِ كَالْمُدَرِّسِ وَ الْخَبّازِ وَ الْشُّرْطيِّ وَ الْحَلْوانيِّ وَ الْبائِعِ وَ الْمُمَرِّضِ وَ الْحَدّادِ وَ غَيْرِهِمْ.

الْمُدَرِّسُ: ما هوَ هَدَفُكُم مِنِ انْتِخابِ الشُّغلِ؟

عارِفٌ: خِدمَةُ النّاسِ. لِأَنَّ كُلَّ واحِدٍ مِنّا بِحاجَةٍ إلَى الْآخَرينَ .

الْمُدَرِّسُ: أَيُّ شُغلٍ مُهِمٌّ؟

حامِدٌ: كُلُّ مِهنَةٍ مُهِمَّةٌ وَ الْبِلادُ بِحاجَةٍ إلَى كُلِّ الْمِهَنِ .

الْمُدَرِّسُ: عَلَينا بِاحْتِرامِ كُلِّ الْمِهَنِ.

قالَ رَسولُ اللّهِ ﷺ: «خَيْرُ النّاسِ أنفَعُهُم لِلنّاسِ.»



دانستیم که فعل مضارع نشانگر زمان حال و آینده است؛ اکنون بدانیم که با افزودنِ «سَـ » یا «سَوْفَ» بر سر آن فقط بر آینده دلالت می‌کند و در ترجمهٔ آن از فعل «خواهـ...» استفاده می‌شود؛ مثال:





أَكْتُبُ: می نویسم ⬅ سَأَكْتُبُ، سَوفَ أَكْتُبُ: خواهم نوشت.

با توجّه به الگوی خوانده شده ترجمه کنید.

أنَا سَأَعْمَلُ: .... أنتِ سَوْفَ تَفْحَصينَ الْمَريضَةَ: ....

أنتَ سَوف تَفْرَحُ: ....

الْفِعلُ الْمُضارِعُ ⬅ (أفْعَلُ) ، (تَفْعَلُ ، تَفْعَلينَ)



أنَا خَبّازٌ. أطبُخُ الْخُبزَ مِنَ السّاعَةِ الْخامِسَةِ صَباحاً.

....



أنَا مُدَرِّسَةُ الْكيمياءِ. أشرَحُ الدَّرسَ لِلطّالِباتِ.

....



أنتَ شُرطيٌّ. تَحفَظُ الْأمْنَ فِي الْبِلادِ.

....



أنتِ طَبيبَةٌ. تَفحَصينَ الْمَرضَى بِدِقَّةٍ.

....

التّمارين

التَّمْرينُ الْأَوَّلُ

● با توجّه به متن درس به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.

۱. ماذا قالَ النَّبيُّ ﷺ حَولَ الْكُتُبِ؟ ....

۲. ما هوَ الْهَدَفُ مِنِ انْتِخابِ الشُّغْلِ؟ ....

۳. حَولَ أيِّ مَوضوعٍ كانَ دَرسُ الْيَومِ؟ ....

٤. ماذا سَتَصيرُ فِي الْمُستَقبَلِ؟ ....

۵. أَيُّ شُغلٍ مُهِمٌّ بِرَأيِكَ؟ ....

التَّمْرينُ الثّاني

● جمله‌های زیر را با توجّه به تصویر ترجمه کنید.



أنا طَبّاخَةٌ. سَأطْبُخُ طَعاماً لَذيذاً.

....



أنا نَجّارٌ. سَأصْنَعُ كُرسيّاً خَشَبيّاً.

....



أنتَ طَبيبٌ مُجِدٌّ. تَفحَصُ الْمَرضى.

....



أنتِ فَلّاحَةٌ مُجِدَّةٌ. تَحصُدينَ الرُّزَّ.

....

التَّمْرينُ الثّالِثُ

جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل مضارع خط بکشید.

١.أنتَ حَدّادٌ. تَصنَعُ الْأبوابَ وَ النَّوافِذَ.

....

٢.أنتِ موَظَّفَةٌ. تَكتُبينَ رَسائِلَ إداريَّةً.

....

٣.أنَا جُنديٌّ. أرفَعُ عَلَمَ وَطَني إيران.

....

٤.أنَا مُمَرِّضَةٌ. أخدِمُ النّاسَ.

....

التَّمْرينُ الرّابِعُ

● زیر هر تصویر نام آن را به عربی بنویسید.

حَدّاد / نَجّار / مُمَرِّضة / کاتِب / حَلْوانيّ / خَبّاز / شُرطيّ / خَيّاطةٌ / طَبيبة / طَبّاخة / فَلّاحة / مُدَرِّسة







....







....







....







....

التَّمْرينُ الْخامِسُ

(گفت و گو با زبان قرآن) **در گروه‌های دو نفره مکالـمه کنید.** «پاسخ کوتاه کافی است».

١. في أيِّ صَفٍّ أنتَ (أنتِ)؟
٢. مِن أينَ أنتَ (أنتِ)؟
٣. أ تَعرِفُ (تَعرِفينَ) اللُّغَةَ الْعَرَبيَّةَ؟
٤. كَم كِتاباً في حَقيبَتِكَ (حَقيبَتِكِ)؟
٥. أينَ الْخَليجُ الْفارِسيُّ؟

التَّمْرينُ السّادِسُ

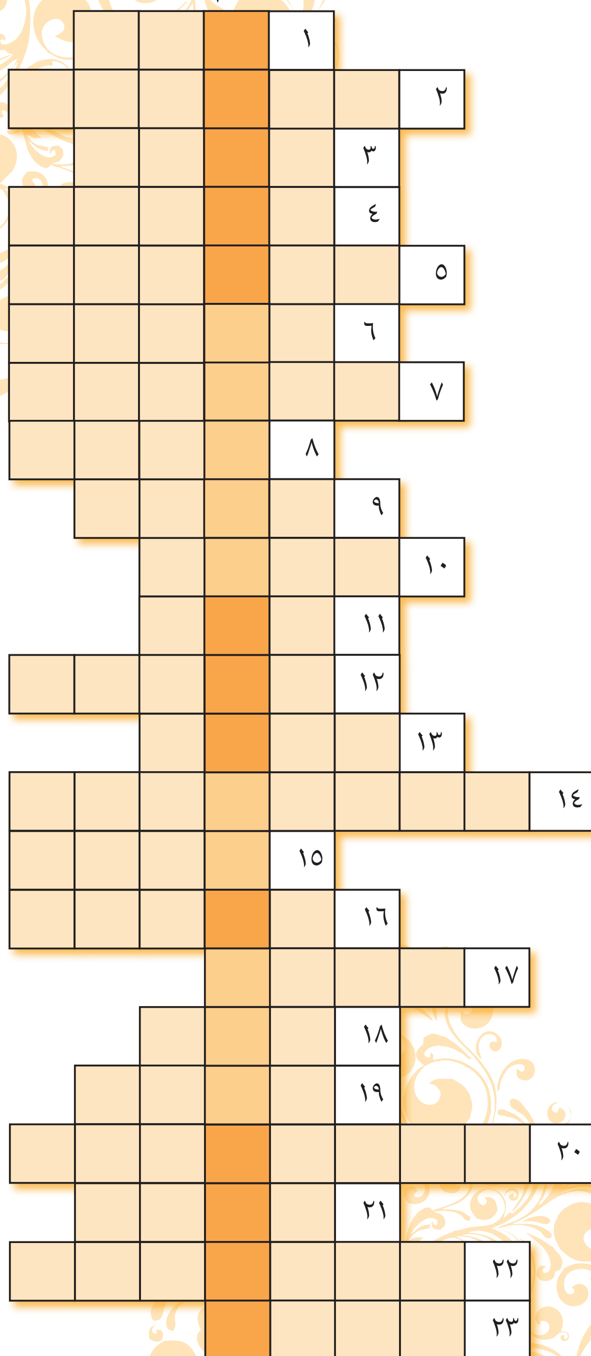
● با استفاده از کلمات زیر جدول را کامل کنید و رمز را به دست آورید.

حَلْوانـيّ / مُمَـرِّضات / رياضَة/ آخَر/ عالَمينَ / مِهنَـة/ بَيع/ دَوَران/ حَدّاد/ نِهايَـة/ قاطِع/ مَرضَى/ خامِس/ كُرَةُ الْقَدَم/ موَظَّفَة/ كُـنوز/ شُرطيّ/ عَمود/ طِبُّ الْعُيون/ وَحْدَك/ ياليتَني/ بِلاد/ سَوفَ

۱. دیگر
۲. جهانیان
۳. آهنگر
٤. پایان
٥. خانم‌های پرستار
٦. ورزش
۷. شیرینی فروش
۸. بیماران
۹. بُرنده
۱۰. شغل
۱۱. فروش
۱۲. چرخیدن
۱۳. پنجم
١٤. فوتبال
١٥. گنج‌ها
١٦. خانم کارمند
۱۷. پلیس
۱۸. نشانهٔ آینده
۱۹. ستون
۲۰. چشم پزشکی
۲۱. کشور، شهرها
۲۲. ای کاش من
۲۳. تو به تنهایی

رمز: « .... ».

الْإمامُ عَليٌّ عليه‌السلام


رمز
١
٢
٣
٤
٥
٦
٧
٨
٩
١٠
١١
١٢
١٣
١٤
١٥
١٦
١٧
١٨
١٩
٢٠
٢١
٢٢
٢٣

ساختار درس دوم و سوم

عربی	فارسی	عربی	فارسی
أَنـا أَنْجَحُ.	من موفّق می‌شوم.	درس ٤ و ٥	ما موفّق می‌شویم.
أنتَ تَـنْجَحُ. أنتِ تَـنْجَحينَ.	تو موفّق می‌شوی.	درس ٦ و ٧	شما موفّق می‌شوید.
درس ٤ و ٥	او موفّق می‌شود.	درس ٨ و ٩	آنها موفّق می‌شوند.

كَـنْزُ الْـحِـكْـمَـةِ مِنَ الإمامِ عَليٍّ عليه‌السلام

● بـخوانید و تـرجـمـه کنید.

١.الْإنـسانُ بِـعَـقـلِـهِ.

....

٢.الْـعَـقْـلُ حُسامٌ قـاطِـعٌ.

....

٣.الْـعَـقْـلُ حِـفْـظُ الـتَّـجارِبِ.

....

٤.ثَـمَـرَةُ الْـعـقـلِ مُـداراةُ الـنّاسِ.

....

٥.غـايَـةُ الْـعَـقـلِ الِـاعْـتِرافُ بِـالْـجَـهـلِ.

....

تحقیق کنید و نام چند شغل یا ورزش را به عربی با تصویر در قالب روزنامهٔ دیواری بنویسید.

اَلدَّرْسُ الرّابِعُ



كانَ فَـرَسٌ صَغيـرٌ مَـعَ أُمِّـهِ في قَـريَـةٍ.

اَلدَّرْسُ الرّابِعُ

اَلْـمُـعْـجَـم

اِبْنُ آدَم: آدمی زاد «اِبن: پسر، فرزند»
إنَّما: فقط
بِسُـهـولَـة: به آسانی
جَدَل: ستیز
حَمل: بُردن، حمل کردن
أطلُبُ مِنْكَ حَمْلَ هٰذِهِ الْحَقيبَة: از تو می‌خواهم این خورجین (کیف) را ببری.
تَسأَلُـهُ: از او می‌پرسد
تَسمَعُ: می‌شنود
تَصْدُقُ: راست می‌گوید
تَـقولُ: می‌گوید
تَنصُرُ: یاری می‌کند
خَطایا: گناهان، خطاها «مفرد: خَطيئَة»
دَواء: دارو
رُجوع: برگشتن
عَلَيكَ بِالرُّجوع: باید برگردی
رِيـاضـيّ: ورزشکار «رياضَـة: ورزش»
سِنْجاب: سنجاب
شاهَـدَ| يُـشاهِـدُ: دید| می‌بیند
شَكَرَ| يَشكُرُ: تشکّر کرد| تشکّر می‌کند
صادِق: راستگو
صَدَقَ| يَـصدُقُ: راست گفت| راست می‌گوید
طَـعـام: خوراک «جمع: أطْـعِـمَـة»
عاشَ| يَـعيشُ: زندگی کرد| زندگی می‌کند
نَعيشُ: زندگی می کنیم
غَـرِقَ| يَـغـرَقُ: غرق شد| غرق می‌شود
تَـغْـرَقُ: غرق می شوی
غَضَب: خشم
فَـرَس: اسب
فِـضَّـة: نقره
فِـعْـل: کار، انجام دادن
قـادِم: آینده
قَصْد: منظور
قَـوْل: گفتار
كَـذَبَ| يَـكـذِبُ: دروغ گفت| دروغ می‌گوید
لا خَيْرَ: هیچ خیری نیست
لِذا: بنابراین
مُختَـبَـر: آزمایشگاه
نَـفْـس: خود
لِـنَفْسِـهِ: برای خودش
في نَفْسِهِ: با خودش
نَـفَـعَ| يَنفَـعُ: سود رساند| سود می‌رساند
تَنفَعُ: سود می‌رساند
نَخدِمُـهُ: به او خدمت می‌کنیم
نَذهَبُ: می رویم
نَقرَأُ: می خوانیم
نَـهْـر: رودخانه «جمع: أنْهار»
يَبحَثُ عَنِ الْحَلِّ: دنبال راه حل می‌گردد
يَحمِلُ: برمی‌دارد
يَخافُ: می‌ترسد
يَذهَبُ: می‌رود
يَرجِعُ: بر می‌گردد
يَرفَعُ: بالا می‌بَرَد
يَسْأَلُ: می‌پرسد
يَسْمَعُ: می‌شنود
يَشْرَحُ: شرح می‌دهد
يَعبُرُ: عبور می کند
يَعمَلُ: انجام می دهد، کار می‌کند
يَفْرَحُ: خوشحال می‌شود
يَفهَمُ: می‌فهمد
يَقولُ: می‌گوید

التَّجرِبَـةُ الْـجَديدَةُ

كانَ فَـرَسٌ صَغيـرٌ مَـعَ أُمِّـهِ في قَـريَـةٍ. قـالَـتْ أُمُّ الْـفَـرَسِ لِـوَلَـدِهـا:

«نَحنُ نَـعيـشُ مَـعَ الْإنسانِ وَ نَـخدِمُـهُ؛ لِذا أَطلُبُ مِنْـكَ حَمْلَ هٰـذِهِ الْـحَقيبَـةِ إلَى الْـقَـريَـةِ الْـمُجاوِرَة.»

هوَ يَحمِلُ الْحَقيبَةَ وَ يَذْهَبُ إِلَى الْقَريَةِ الْمُجاوِرَةِ.



في طَريقِهِ يُشاهِدُ نَهْراً . يَخافُ الْفَرَسُ وَ يَسألُ بَقَرَةً واقِفَةً جَنْبَ النَّهرِ:

«هَلْ أقدِرُ عَلَى الْعُبورِ؟» الْبَقَرَةُ تَقولُ : «نَعَم؛ لَيسَ النَّهْرُ عَميقاً.»

يَسْمَعُ سِنجابٌ كَلامَهُما وَ يَقولُ: «لا؛ أيُّهَا الْفَرَسُ الصَّغيرُ، أنتَ سَتَغرَقُ فِي الْماءِ،

هٰذَا النَّهرُ عَميقٌ جِدّاً. عَلَيْكَ بِالرُّجوعِ . أتَفهَمُ ؟»



وَلَدُ الْفَرَسِ يَسمَعُ كَلامَ الْحَيَوانَينِ وَ يَقولُ في نَفْسِهِ:

«ماذا أفعَلُ يا إلٰهي؟!»

فَيَرْجِعُ إلى والِدَتِهِ وَ يَبْحَثُ عَنِ الْحَلِّ.

الْأُمُّ تَسْألُهُ: « لِماذا رَجَعْتَ؟!»

يَشرَحُ الْفَرَسُ الْقِصَّةَ وَ تَسمَعُ الْأُمُّ كَلامَهُ. الْأُمُّ تَسأَلُ وَلَدَها:

«ما هوَ رَأيُكَ؟ أ تَقْدِرُ عَلَى الْعُبورِ أمْ لا؟ مَنْ يَصْدُقُ؟ وَ مَنْ يَكْذِبُ؟»

ما أجابَ الْفَرَسُ الصَّغيرُ عَنْ سؤالِها. لٰكِنَّهُ قالَ بَعدَ دَقيقَتَينِ:

«الْبَقَرَةُ تَصدُقُ وَ السِّنجابُ يَصدُقُ أيضاً. الْبَقَرَةُ كَبيرَةٌ وَ السِّنْجابُ صَغيرٌ. كُلٌّ مِنهُما يَقولُ رَأيَهُ. فَهِمتُ الْمَوضوعَ».

يَفهَمُ الْفَرَسُ الصَّغيرُ كَلامَ أُمِّهِ وَ يَذهَبُ إلَى النَّهرِ وَ يُشاهِدُ الْبَقَرَةَ وَ السِّنجابَ مَشغولَينِ بِالْجِدَلِ.

البَقَرَةُ: «أنا أصدُقُ وَ أنتَ تَكذِبُ.»

السِّنجابُ: «لا؛ أنَا أصدُقُ وَ أنتِ تَكذِبينَ.»

يَعبُرُ الْفَرَسُ ذٰلِكَ النَّهرَ بِسُهولَةٍ ثُمَّ يَرجِعُ وَ يَفرَحُ لِلتَّجرِبَةِ الْجَديدَةِ.

تَفَكُّرُ ساعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبادَةِ سَبْعينَ سَنَةً.

رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه وآله وسلم



فعل مضارع (٢)

الْفِعلُ الْمُضارِعُ ⬅ (يَـفْـعَلُ ، تَـفْـعَـلُ) ، (نَـفْـعَـلُ)



هٰذَا الْوَلَدُ الصَّغيرُ يَلعَبُ بِسَيّـارَتِـهِ.

....



تِـلْـكَ الْـمَرأةُ تَـنـفَـعُ أُسـرَتَـها.

....



نَـحـنُ نَـقـرَأُ الْـقُرآنَ.

....



نَحـنُ نَـذهَبُ إلَى بَيتِ اللّٰهِ.

....

بدانیم

به مقایسهٔ فعل‌های عربی و فارسی زیر توجّه کنید.

فعل ماضی	ترجمه	فعل مضارع	ترجمه
هوَ فَعَلَ.	او انجام داد.	هوَ یَـفعَلُ.	او انجام می‌دهد.
هيَ فَعَلَتْ.		هيَ تَـفعَلُ.	
نَحنُ فَعَلْنا.	ما انجام دادیم.	نَحنُ نَـفعَلُ.	ما انجام می‌دهیم.

یَـ ، تَـ ، نَـ + فعل = یَـفْعَلُ، تَـفْعَلُ، نَـفْعَلُ

فنّ ترجمه

از کجا بدانیم معنای « تَـعْـمَـلُ» در دو جملهٔ زیر چیست؟



یا نَجّارُ، أنتَ تَـعـمَـلُ جَـیِّـداً.

ای نجّار، تو خوب کار می‌کنی.



هٰـذِهِ الْبِنتُ تَـعـمَـلُ فِـي الْمُختَـبَرِ.

این دختر در آزمایشگاه کار می‌کند.

✍ جمله‌های زیر را ترجمه کنید.

١. أنتَ تَجلِسُ عَلَى الْأرضِ وَ والِدَتُكَ تَجلِسُ عَلَى الْكُرسيِّ.

....

٢. أُختي تَقولُ لي: «يا أخي، أ أنتَ تَقولُ الْحَقَّ؟»

....

✍ التَّمارين ✍

التَّمْرينُ الْأوَّلُ:

● با توجّه به متن درس، جمله‌های درست و نادرست را معلوم کنید.

	درست	نادرست
١. طَلَبَتْ أمُّ الْفَرَسِ مِنْ وَلَدِها حَمْلَ حَقيبَةٍ مَملوءَةٍ بِالذَّهَبِ.	❐	❐
٢. قالَتْ أمُّ الْفَرَسِ: «الْبَقَرَةُ كَبيرَةٌ وَ السِّنْجابُ صَغيرٌ.»	❐	❐
٣. قالَتِ الْبَقَرَةُ لِلْفَرَسِ: «أنتَ تَغْرَقُ فِي النَّهْرِ.»	❐	❐
٤. السِّنجابُ وَ الْبَقَرَةُ صادِقانِ في كَلامِهِما.	❐	❐
٥. عَبَرَ الْفَرَسُ النَّهرَ بِسُهولَةٍ.	❐	❐

التَّمْرينُ الثّاني

● جمله‌های زیر را با توجّه به تصویر ترجمه کنید.



هٰـذَا الـرَّجُلُ يَـغسِلُ قُبورَ الـشُّهَداءِ.

....



هٰـذِهِ الْـمَرأةُ تَـغسِـلُ قُبورَ الـشُّهَداءِ.

....



نَحنُ نَـذهَبُ إلَى الْـجَبَلِ لِـحِفْظِ نَظافَـةِ الطَّبيعَـةِ.

....

التَّمْرينُ الثّالِثُ

● جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل مضارع خط بکشید.

۱. ﴿ وَ مَن يَشْكُرْ فَـإِنَّـما يَشْكُرُ لِـنَـفْـسِـهِ﴾ لقمان ۱۲

....

۲. والِدُنا يَعْمَلُ فِي الْمَصْنَعِ وَ والِدَتُنا تَعْمَلُ فِي الْمَكْتَبَةِ.

....

۳. جَدّي ما طَلَبَ مِنّا مُساعَدَةً وَ جَدَّتي تَطلُبُ الْمُساعَدَةَ.

....

٤. أ أنتَ تَجْمَعُ الأَخْشابَ أمْ أُختُكَ تَجْمَعُ؟

....

التَّمْرينُ الرّابِعُ

ترجمه كنيد.

عربی	فارسی	عربی	فارسی
قَدَرْتَ	توانستی	ما قَدَرْتَ	....
يَسْأَلُ	می‌پرسد	سَيَسْأَلُ	....
نَفْتَحُ	باز می‌كنيم	سَوفَ نَفتَحُ	....
طَرَقْتَ	كوبيد	تَطرُقُ	....
فَهِمْتُ	فهميدم	سَأفهَمُ	....
شَرِبْنا	نوشيديم	نَشرَبُ	....

التَّمْرينُ الْخامِسُ

گزینهٔ مناسب را انتخاب کنید.

١. أ أنتِ .... إلی الْمُختَبَرِ وَحْدَكِ یا أُختي؟ ☐ یَذهَبُ ☐ تَذهَبینَ

٢. هَلْ .... ذٰلِكَ الْمُدَرِّسَ یا أخي؟ ☐ تَعرِفُ ☐ تَعرِفینَ

٣. أنَا سَوْفَ .... إلی بِلادي فِي الْأُسبوعِ القادِمِ. ☐ أرجِعُ ☐ رَجَعْتُ

٤. نَحْنُ .... إلَی الْبُستانِ قَبْلَ ثَلاثَةِ أيّامٍ. ☐ ذَهَبْنا ☐ سَنَذهَبُ

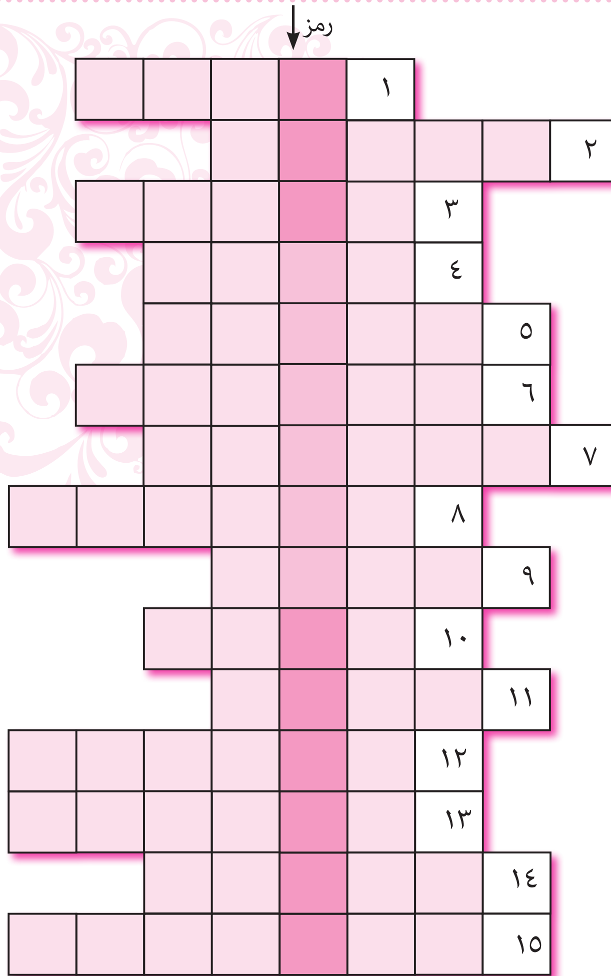
٥. الْعاقِلُ .... إلَی الْیَمینِ وَ الْیَسارِ ثُمَّ یَعبُرُ الشّارِعَ؟ ☐ نَنظُرُ ☐ یَنظُرُ

التَّمْرينُ السّادِسُ

در خانه‌های جدول کلمات مناسب بنویسید؛ سپس رمز را پیدا کنید.

رُجوع / خَطایا / فُرسان / مَملوء / خَبّاز / قادِم / یَأکُلُ / تَغرَقُ / مَوَظَّفونَ / تَسألینَ / مُنَظَّمات / ریاضیّونَ / أنهار / بِسُهولَة / تَطْرُقینَ

١. ناانوا
٢. خطاها
٣. دو اسب
٤. آینده
٥. پُر
٦. می‌پرسی «مؤنّث»
٧. سازمان‌ها
٨. کارمندان
٩. غرق می شوی
١٠. می‌خورَد
١١. برگشتن
١٢. به آسانی
١٣. می‌کوبی «مؤنّث»
١٤. رودخانه‌ها
١٥. ورزشکاران



رمز: « .... ».

التَّمْرينُ السّابِعُ

(گفت و گو با زبان قرآن) در گروه‌های دو نفره مکالـمه کنید.

١. أينَ بَيتُـكَ؟	أينَ بَيتُـكِ؟
٢. هَل أنتَ فِـي الْـمَكتَبَـةِ؟	هَل أنتِ فِـي الْـمَكتَبَـةِ؟
٣. ماذا فـي يَـدِكَ؟	ماذا فـي يَـدِكِ؟
٤. أ تَعرِفُ مُديرَ الْمَدرَسَةِ؟	أ تَعرِفيـنَ مُديرةَ الْمَدرَسَةِ؟
٥. كَم صَفّـاً في مَدرَسَتِـكَ؟	كَم صَفّـاً في مَدرَسَتِـكِ؟

ساختار درس دوم تا چهارم

عربی	فارسی	عربی	فارسی
أنَا أرْجِعُ.	من برمی‌گردم .	نَحْنُ نَرْجِعُ.	ما برمی‌گردیم .
أنتَ تَرْجِعُ. أنتِ تَرْجِعينَ .	تو برمی‌گردی .	درس ٦ و ٧	شما برمی‌گردید.
هوَ يَرْجِعُ . هيَ تَرْجِعُ.	او برمی‌گردد .	درس ٨ و ٩	آنها برمی‌گردند .

كَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

لا خَيرَ في قَوْلٍ إلّا مَعَ الْفِعْلِ .

....

السُّكوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلامُ فِضَّةٌ .

....

أكْثَرُ خَطايَا ابْنِ آدَمَ في لِسانِهِ.

....

الْكَلامُ كَالدَّواءِ. قَليلُهُ يَنْفَعُ و كَثيرُهُ قاتِلٌ.

....

غَضَبُ الْجاهِلِ في قَولِهِ وَ غَضَبُ الْعاقِلِ في فِعْلِهِ.

....

• حدیث اوّل تا سوم از پیامبر اسلام صَلَّی‌اللهُ‌عَلَیهِ‌وَآلِهِ‌وَسَلَّمَ و حدیث چهارم و پنجم از حضرت علی عَلَیهِ‌السَّلام

تحقیق کنید و چند بیت شعر یا جملهٔ حکیمانه به عربی دربارهٔ پیام درس بیابید.



اَلدَّرْسُ الْخامِسُ



- كَيـفَ حالُـكِ؟

- الْحَمدُ لِلهِ؛ جَـيِّـدَةٌ وَ كَيفَ أنتِ؟

اَلدَّرْسُ الْخامِسُ

اَلْـمُـعْـجَـم

أبصار : دیدگان «مفرد: بَصَر»

أتَی| يَـأتـي: آمد| می‌آید

تَـأتِيـنَ: می‌آیی

تَـأتي: می‌آید، بیاید «مؤنّث»

يَـأتي: می‌آید، بیاید «مذکّر»

إحْدَی : یکی از

أعلَم : داناترین، داناتر

أقْمار: ماه‌ها «مفرد: قَمَر»

أنفُسَـهُم: به خودشان «مفرد: نَفْس»

بِالتَّـأكيد: البتّه

بَعْدَما : پس از اینکه

بَقِيَ : ماند

بِكُـلِّ سُرور : با کمالِ میل

ثالِث: سوم، سومین

جار: همسایه «جمع: جيـران»

جارَتانِ: دو همسایه

جِـئْـتُـم: آمدید ← جاءَ: آمد

جِـئْـنا: آمدیم

حَبيب : دوست

حَـرَسَ| يَـحرُسُ : نگهداری کرد| نگهداری می‌کند (نگهبانی داد| نگهبانی می‌دهد)

خَزائِن : گنجینه‌ها «مفرد: خِزانَة»

دَمْع : اشک «جمع: دُموع»

زَميل: هم شاگردی «جمع: زُمَـلاء»

زَميلاتُـها: هم شاگردی‌هایش

ساحَة : حیاط، میدان

ظَلَمَ| يَظلِمُ : ستم کرد| ستم می‌کند

عُـصْفور : گنجشک «جمع: عَصافيـر»

قَبْلَ شَهْـرٍ : یک ماه پیش

لَيْسَ لَهُ : ندارد، برایش نیست

لَيسَ: نیست + لِـ، لَـ : برای + ـهُ: ـَش

مَتَی: چه وقت

مَصابيح: چراغ ها «مفرد: مِصباح»

مَعاً : با هم

مُهِمَّةٌ إداريَّة : مأموریّت اداری

نَفْس : همان، خود

فِي نَفْسِ الْمَكانِ: در همان جا

الصَّداقَةُ

«أَسْـرين» طالِـبَـةٌ فِـي الصَّـفِّ الثّاني الْمُتَـوَسِّطِ. هـيَ جاءَتْ مِنْ «سَنَندَج» إلَی «طهران». هـيَ طالِبَةٌ جَديدَةٌ فِـي الْمَدرَسَـةِ وَ بَـقِـيَـتْ مُـدَّةَ أُسبوعَيـنِ وَحيدَةً.

فِـي الْأُسـبوعِ الثّالِثِ في يَـوْمِ السَّبْتِ جاءَتْ إلَيها إحْـدى زَمـيلاتِـها بِاسْمِ «آيلار» وَ بَـدَأتْ بِالْحِـوارِ مَـعَـها في ساحَـةِ الْمَدرَسَـةِ.



الْحِـوارُ بَـيْـنَ الـطّـالِـبَـتَـيـنِ «آيلار» وَ «أسْـرين»

- كَـيـفَ حالُـكِ؟
- الْحَمدُ لِلهِ؛ جَـيِّـدَةٌ وَ كَـيفَ أنتِ؟
- أنَـا بِخَـيـرٍ. مَـا اسْمُـكِ؟
- اِسْمـي أَسـرين.
- اِسمٌ جَـميلٌ. ما مَـعْـنـاهُ؟
- «أسْرين» بِالْكُرديَّة بِـمَعنَى الدَّمْـعِ. وَ مَا اسْمُـكِ؟
- اِسمي آيلار.
- ما مَـعـنَى اسْمِـكِ؟
- آيلار بِالتُّـركيَّـةِ بَـمَعنَى الْـأقْـمارِ.
- اِسْمٌ جَميلٌ جِدّاً وَ مَعناهُ جَميلٌ أيضاً.
- مِنْ أيِّ مَدينَـةٍ أنتِ؟
- أنَـا مِنْ سنندج. أ أنتِ مِنْ طهران؟
- لا؛ أنَا مِنْ تبريز وَ ساكِنَـةٌ هُنا.
- فَـأنتِ مِـثْـلي أيضاً.
- لِماذا جِـئْـتُم إلَى طهران؟
- لِأنَّ والِـدي في مُـهِـمَّـةٍ إداريَّـةٍ.
- كَمْ سَنَـةً مُهِمَّـةُ والِـدِكِ؟
- سَنَـتَـيـنِ.

- أينَ بَيتُكُم؟
- في ساحَةِ خُراسان.
- عَجَباً. بَيتُنا في نَفْسِ الْمَكانِ.
- أ تَصدُقينَ؟!
- نَعَم؛ بِالتَّأكيدِ؛ مَتى جِئْتُم؟
- جِئْنا قَبْلَ شَهْرٍ.
- فَنَحنُ جارَتانِ وَ زَميلَتانِ.
- فَكَيفَ ما رَأيْتُكِ حَتَّى الْآنَ؟
- عَجيبٌ. ما مِهنَةُ أبيكِ؟
- هوَ مُهَندِسُ الْكُمْبيوتِر.
- هَلْ تَأتينَ إلَى بَيتِنا؟
- بِكُلِّ سُرورٍ.
- مَتى؟
- بَعدَما يَسمَحُ لي والِدي وَ تَقبَلُ والِدَتي.
- وَ هَلْ يَأتي أبوكِ؟ وَ هَلْ تَأتي أُمُّكِ؟
- إنْ شاءَ اللّهُ. سَأَسْأَلُهُما.

الْغَريبُ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَبيبٌ. الإمامُ عَليٌّ عليه السلام

الْفِعلُ الْمُضارِعُ ⬅ (یَـفـعَـلُ ، تَـفـعَـلُ) ، (نَـفـعَـلُ)



هٰـذَا الْـعُـصْـفـورُ یَـشْـرَبُ الْـماءَ.

....



هٰـذِهِ الـزَّرافَـةُ تَـشْـرَبُ الْـمـاءَ.

....



نَـحْـنُ نَـلْعَبُ کُـرَةَ الْـقَـدَمِ.

....



نَـحْـنُ نَـعْـمَلُ فِـي الْـمُختَـبَـرِ.

....

فنّ ترجمه

حرف «ما» دو کاربرد دارد:

«ما» برای منفی کردنِ فعل ماضی؛

مانند: ﴿ما سَـمِـعْـنـا﴾: نشنیدیم المؤمنون ٢٤

«ما» به معنای «چیست؟»؛

مانند: ﴿مَا تِـلْـكَ بِـیَـمـیـنِـكَ یا مـوسی﴾ طـه ١٧

ای موسی، آن چیست در دست راستت؟



اکنون این جمله‌ها را ترجمه کنید.

﴿ما ظَلَمْناهُم وَلٰكِنْ ظَلَموا أنفُسَهُم﴾ هود ۱۰۱ ....

ما ذٰلِكَ الشَّيءُ في يَدِكَ؟ ....

التَّمارين

التَّمْرينُ الْأوَّلُ

● با توجّه به متن درس پاسخ درست کدام است؟

۱. لِماذا جاءَتْ أُسْرَةُ أسْرين إلَى طهران؟ لِمُهِمَّةٍ إداريَّةٍ ☐ لِمُعالَجَةِ بِنتِهِم ☐

۲. كَمْ أُسبوعاً بَقِيَتْ أسرين وَحيدَةً؟ أُسبوعاً واحِداً ☐ أُسبوعَينِ ☐

۳. في أيِّ صَفٍّ كانَتْ أسرين؟ فِي الصَّفِّ الْأوَّلِ ☐ فِي الصَّفِّ الثّاني ☐

۴. أينَ بَيتُ أسرين وَ آيلار؟ في ساحَةِ خُراسان ☐ خَلْفَ الْمَدرَسَةِ ☐

۵. هَلْ أسرين مِنْ تبريز؟ نَعَم؛ هيَ تبريزيَّةٌ ☐ لا؛ هيَ سنندجيَّةٌ ☐

التَّمْرينُ الثّاني

● جمله‌های زیر را با توجّه به تصویر ترجمه کنید.



نَحنُ نَصعَدُ الْجَبَلَ.

....



نَحنُ نَذهَبُ إلَی الْبَيتِ.

....

التَّمْرينُ الثّالِثُ

● کدام کلمه با دیگر کلمه ها از نظر معنا ناهماهنگ است؟

١. يَد ❑	عَين ❑	وَجْه ❑	جار ❑
٢. سَمَكَة ❑	ساحَة ❑	شارِع ❑	طَريق ❑
٣. أُسبوع ❑	خُبز ❑	شَهْر ❑	سَنَة ❑
٤. بَقَرَة ❑	فَرَس ❑	مِهنَة ❑	غُراب ❑
٥. نَجّار ❑	حَلْوانيّ ❑	سائِق ❑	رياضَة ❑
٦. باب ❑	نافِذَة ❑	رِسالَة ❑	جِدار ❑
٧. تُفّاح ❑	اِبتِسام ❑	عِنَب ❑	رُمّان ❑
٨. الْفِضَّة ❑	السَّبْت ❑	الثُّلاثاء ❑	الْخَميس ❑

التَّمْرينُ الرّابِعُ

● **كلمات مترادف و متضاد را معلوم كنيد.**

مِهْـنَـة شُغْل أَتَـى جـاءَ بَساتين حَدائِق قادِم ماضي بَـيْـع

شِـراء يَصْدُقُ يَكْذِبُ شاهَـدَ رَأى

التَّمْرينُ الْخامِسُ

● **ترجمه كنيد:**

١. أنا ذَهَبْتُ أمسِ و أنتَ تَذهَبُ غَداً.

....

٢. أنتِ رَجَعْتِ قَبْلَ ساعَةٍ و نَحنُ سَنَرْجِعُ بَعْدَ ساعةٍ.

....

٣. الْجاهِلُ يَكْذِبُ وَ الْعاقِلُ لا يَكْذِبُ.

....

٤. والِدَتي سَتَطْبُخُ طَعاماً لَذيذاً وَ نَحنُ سَوْفَ نَـأْكُـلُـهُ.

....

التَّمْرينُ السّادِسُ

(گفت‌وگو با زبان قرآن) در گروه‌های دو نفره مکالمه کنید.

١.أينَ مَدرَسَتُكَ؟	أينَ مَدرَسَتُكِ؟
٢. مَا اسْمُ مُعَلِّمِكَ؟	مَا اسْمُ مُعَلِّمَتِكِ؟
٣. هَل أنتَ قَويٌّ؟	هَل أنتِ قَويَّةٌ؟
٤. كَم عُمرُكَ يا صَديقي؟	كَم عُمرُكِ يا صَديقَتي؟
٥. أينَ تَلعَبُ؟	أينَ تَلعَبينَ؟

ساختار درس دوم تا پنجم

عربی	فارسی		عربی	فارسی
أنَا أعْرِفُ.	من می‌شناسم.		نَحْنُ نَعْرِفُ.	ما می‌شناسیم.
أنتَ تَعْرِفُ. أنتِ تَعْرِفينَ.	تو می‌شناسی.		درس ٥ و ٦	شما می‌شناسید.
هوَ يَعْرِفُ. هيَ تَعْرِفُ.	او می‌شناسد.		درس ٧ و ٨	آنها می‌شناسند.

كَنْزُ الْحِكْمَةِ

● بخوانيد و ترجمه كنيد.

أعلَمُ النّاسِ ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النّاسِ إلى عِلْمِهِ. رسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله و سلم

....

الْعِلْمُ خَزائِنُ وَ مِفْتاحُها السُّؤالُ. رسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله و سلم

....

.الْعُلَماءُ مَصابيحُ الْأرْضِ. رسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله و سلم

....

الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمالِ. الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَ أنتَ تَحْرُسُ الْمالَ. الإمامُ عَليٌّ عليه السلام

....

إنَّ الْعِلْمَ حَياةُ الْقُلوبِ وَ نورُ الْأبْصارِ. الإمامُ عَليٌّ عليه السلام

....

تحقيق كنيد و دربارهٔ معنا و ريشهٔ نام خود بنويسيد.

الدَّرْسُ السّادِسُ



لِماذا تَكتُبانِ دَرْسَكُما خارِجَ الْغُرفَةِ؟

اَلدَّرْسُ السّادِسُ

اَلْـمُـعْـجَم

أحَـد: یکی از، کسی

تَخلُقونَـهُ: آن را می‌آفرینید

أربَعونَ، أربَعينَ: چهل

أُولَى: یکم، نخستین «مؤنّثِ أوَّل»

ثاني، ثانِيَـة: دوم

حافِلَة: اتوبوس

حُبوب مُسَكِّنَـة: قرص‌های مسکّن «مفرد: حَبّ»

زُوّار: زائران «مفرد: زائِر»

سافَرَ| يُسافِرُ: سفر کرد| سفر می‌کند

سافَروا: سفر کردند

سَفْـرَة: سفر

شَراب: شربت

صُداع: سردرد

أشعُرُ بِالـصُّداع: سرم درد می‌کند

تَشعُرُ بِـالصُّداع: سرش درد می‌کند

ضَـغْـطُ الـدَّم: فشار خون

طائِرَة: هواپیما

عِنْـدَكِ: داری

(عِـنْدَ: نـزد + كِ : تو= نزد تو، داری)

قافِلَة: کاروان

لِـ : دارد، برای

«لِهٰذِهِ الْـأُسرَةِ: این خانواده دارد.»

لا : نـ ، حرف نفی مضارع

«لا نَذْهَبُ: نـمی‌رویم»

ما بِـكَ؟: تو را چه می‌شود؟

مَرَّة: بار، دفعه

مَـرَّتَـيـنِ: دو بار

مَـرَضُ الـسُّكَّر: بیماری قند

مَساء: شب، بعد از ظهر

مُسْـتَوْصَف: درمانگاه «جمع: مُستَوصَفات»

وَصْـفَـة: نسخه

فِـي السَّفَرِ

سافَرَتْ أُسـرَةُ السَّـيِّـدِ فَـتّاحيّ مِنْ كِرمان إلَى الْعِراقِ لِزيارَةِ الْـمُدُنِ الْـمُقَـدَّسَةِ: النَّجَفِ الْأشرَفِ وَ كَربَلاءَ وَ الْكاظِميَّةِ وَ سامَرّاءَ في قافِـلَـةِ الـزُّوّارِ. هُمْ سافَروا فِـي الْمَـرَّةَ الْأُولى بِالـطّائِرَةِ وَ فِـي الْـمَرَّةِ الـثّانـيَـةِ بِـالْحافِلَـةِ. السَّيِّـدُ فَـتّاحيّ موَظَّـفٌ وَ زَوجَـتُـهُ مُمَرِّضَـةٌ. لِـهٰـذِهِ الْـأُسْـرَةِ سِتَّـةُ أولادٍ وَ بَناتٍ.

حِـوارٌ بَـيـنَ الْـأُسْـرَةِ

السَّيِّدُ فَتّاحيّ: أينَ تَـذْهَـبـونَ يا أولادي؟

الْأولادُ: نَـذْهَـبُ لِزيارَةِ مَرقَـدِ الْإمامِ الْحُسَيـنِ عليه السلام .



السَّيِّدُ فَتّاحيّ: أينَ تَـذْهَـبْـنَ يا بَناتـي؟

الْبَناتُ: نَـذْهَـبُ مَعَ إخْـوَتِـنا لِلزّيارَةِ.

أحَدُ الأولادِ: أينَ تَـذهَبانِ يا أبـي وَ يا أُمّي؟

الْوالِدُ: نَـذْهَـبُ إلَى الْـمُستَوصَفِ.

- مَنِ الْمَريضُ؟

- أُمُّـكُمْ تَـشعُـرُ بِـالصُّـداعِ.

حِـوارٌ فِـي الْـمُسْـتَـوْصَفِ

الطَّبيبُ: مَـا اسْـمُ الْـمَريضِ؟

السَّيِّدُ فَتّاحيّ: زَوجَتي السَّيِّدَةُ فاطِمَـة.

الطَّبيبُ: ما بِـكِ يا سَيِّدَةُ فاطِمَةُ؟

السَّيِّدَةُ فاطِمَةُ: أشـعُـرُ بِـالصُّـداعِ.

- كَمْ عُمْـرُكِ؟

- أربَعونَ سَـنَـةً.

- أ عِنْدَكِ ضَغْطُ الدَّمِ أوْ مَرَضُ السُّكَّرِ؟

- لا؛ أشـعُـرُ بِـالصُّـداعِ فَقَط.

- أكْتُـبُ لَـكِ وَصْفَـةً.

- ماذا تَكتُبُ فِي الْوَصْفَـةِ؟

- الْحُبوبَ الْمُسَكِّنَةَ وَ الشَّرابَ.　　　- كَيفَ الِاسْتِفادَةُ مِنْها؟



- ثَلاثَةُ حُبوبٍ في كُلِّ يَومٍ:صَباحاً وَ ظُهراً وَ مَساءً

وَ الشَّرابُ مَرَّتَينِ في كُلِّ يَومٍ.



به مقایسهٔ فعل‌های عربی و فارسی زیر توجّه کنید.

فعل ماضی	ترجمه	فعل مضارع	ترجمه
أنتُم فَعَلْتُم		أنتُم تَفْعَلونَ	
أنتُنَّ فَعَلْتُنَّ	شما انجام دادید.	أنتُنَّ تَفْعَلْنَ	شما انجام می‌دهید.
أنتُما فَعَلْتُما		أنتُما تَفْعَلانِ	

چرا ترجمهٔ سه فعل عربی در فارسی فقط یک فعل است؟

....

الْفِعلُ الْمُضارِعُ (تَـفـعَـلـونَ ، تَـفـعَـلْــنَ ، تَـفـعَـلـانِ)



ماذا تَـأكُـلـونَ يا رِجالُ؟
نَـأكُـلُ طَعامَ الْإفـطارِ.



ماذا تَـأكُـلْـنَ يا نِساءُ؟
نَـأكُـلُ طَعامَ الْـإفـطارِ.



ماذا تَـفْعَلـانِ أيُّهَا الْوَلَدانِ؟
نَـلْعَبُ مَعاً.



هَلْ تَـعْرِفـونَ هـٰذَا الْمُجاهِدَ؟
نَعَمْ؛ نَـعْرِفُـهُ. هوَ الشَّهيدُ موسَويٌّ.*



أينَ تَـقـرَأْنَ الْكِتابَ؟
نَـقـرَأُهُ فِـي الْـمَـكـتَـبَـةِ.



ماذا تَـفعَلـانِ أيَّـتُـهَا الْبِنتانِ؟
نَـرجِـعُ إلى بَيتِـنا مَعاً.

* شهید سیّدکاظم موسوی ، نویسنده کتاب‌های عربی پیش از انقلاب اسلامی و آغاز آن.

فنّ ترجمه

۱. در پاسخ به کلمهٔ پرسشی «لِـماذا» می توانیم با «لِأنَّ: برای اینکه» یا «لِـ : برای» شروع کنیم؛ مثال:



لِـماذا تَـنْظُـرُ إلَى الْبَعيدِ؟

لِأنّي أبْحَثُ عَنْ هُدهُدٍ.

....

....



لِماذا تَكتُبانِ دَرْسَكُما خارِجَ الْغُرفَةِ؟

لِـأنَّ الْجَوَّ لَطيفٌ جِدّاً.

....

....

۲. حرف «لا» فعل مضارع را منفی می‌کند؛ مثال:

أَنا لا أَكْذِبُ　من دروغ نـمی‌گویم.

اکنون جمله‌های زیر را ترجمه کنید.

أنتَ لا تَظْلِمُ النّاسَ. ....

لِـماذا لا تَكْتُبينَ واجِباتِكِ؟ ....

اکنون جمله‌های زیر را ترجمه کنید.



لِماذا أنتُم مَسرورونَ؟

لِأنَّنا ناجِحونَ فِي الْمُسابَقَةِ.

....

....



لِماذا ذَهَبْتِ إلَى السّوقِ؟

ذَهَبْتُ لِشِراءِ خاتَمٍ ذَهَبيٍّ.

....

....

التَّمارين

التَّمْرينُ الْأَوَّلُ

● با توجّه به متن درس، جملهٔ درست و نادرست را معلوم کنید.

	درست	نادرست
١. ما كَتَبَ الطَّبيبُ لِلسَّيِّدَةِ فاطِمَةَ حُبوباً فِي الْوَصفَةِ.	☐	☐
٢. سافَرَتْ أُسْرَةُ السَّيِّدِ فَتّاحيّ إلَى الْعِراقِ.	☐	☐
٣. السَّيِّدَةُ فاطِمَةُ في سِنِّ السَّبْعينَ.	☐	☐
٤. هٰذِهِ الْأُسرَةُ مِنْ إيرانشهر.	☐	☐
٥. السَّيِّدُ فَتّاحيّ حَدّادٌ.	☐	☐

التَّمْرينُ الثّاني

● جمله‌های زیر را با توجّه به تصویر ترجمه کنید.



أينَ تَذْهَبونَ؟

نَذْهَبُ فَوقَ الْجَبَلِ.

....

....



ماذا تَلْعَبْنَ؟

نَلْعَبُ كُرَةَ الْمِنْضَدَةِ.

....

....



ماذا سَتَفْعَلانِ يا سَيِّدَتانِ؟

سَنَعْمَلُ فِي الْبَيتِ.

....

....



إلَى أينَ سَتَذْهَبانِ يا وَلَدانِ؟

سَنَذْهَبُ إلَى النَّهْرِ بَعْدَ دقائق.

....

....

التَّمْرينُ الثّالِثُ

● جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل مضارع خط بکشید.

۱.﴿ أ فَـرَأَيْـتُـمُ الْـمـاءَ الَّـذي تَشـرَبـونَ﴾ الواقعة ٦٨

....

۲. ﴿ أ أنـتـُم تَـخـلُـقونَـهُ أمْ نَـحـنُ الْـخـالِـقونَ﴾ الواقعة ٥٩

....

۳. ﴿ إنَّ اللّهَ يَـأمُـرُ بِالْـعَـدلِ وَ الْـإحسانِ﴾ النَّحل ٩٠

....

٤. أيُّـهَا الْـفَلّاحونَ، أ لا تَـجْـمَـعـونَ الْـفَواكِـهَ لِـلْـبَـيـعِ؟

....

٥. يا زَميـلاتـي، إلى أينَ تَـذْهَـبْـنَ بَـعْـدَ أُسبوعَينِ؟

....

التَّمْرينُ الرّابِعُ

● ترجمه کنید.

تَكذِبانِ	دروغ می‌گویید	لاتَكذِبانِ	....	تَـخدِمونَ	خدمت می‌کنید	لا تَـخدِمونَ	....
ما نَدِمْـتُ	پشیمان نشدم	لا أندَمُ	....	رَحِمْـتُما	رحم کردید	تَـرحَمانِ	....
ما حَزِنْـتَ	غمگین نشدی	لا تَحزَنُ	....	عَمِلْـنا	کار کردیم	سَوفَ نَعمَلُ	....
شَرَحْـتُـنَّ	شرح دادید	ما شَرَحْـتُـنَّ	....	فَرِحْــتِ	شاد شدی	تَـفرَحينَ	....

التَّمْرينُ الْخامِسُ

● گزینهٔ مناسب را انتخاب کنید.

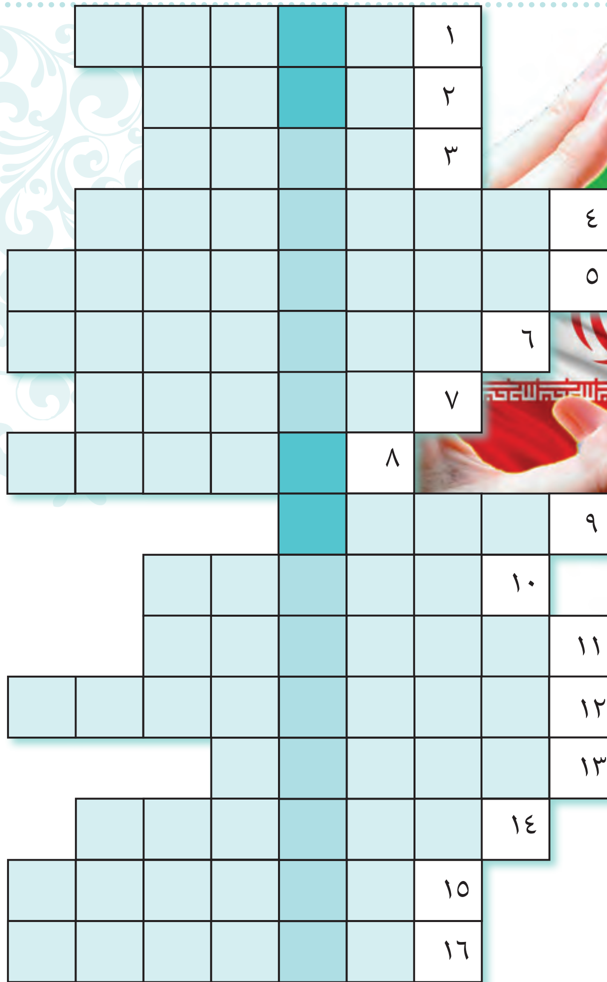
١. ماذا تَفعَلُ؟ .... عَنْ مِفتاحِ الْغُرفَةِ.	أبحَثُ ☐	نَبحَثُ ☐
٢. أينَ تَذهَبونَ؟ .... إلَى مُنَظَّمَةِ الْعَمَلِ.	أذهَبُ ☐	نَذهَبُ ☐
٣. أ تَفهَمْنَ الدَّرسَ؟ - نَعَم؛ .... الدَّرسُ سَهلٌ.	تَفهَمْنَ ☐	نَفهَمُ ☐
٤. أ أنتُم .... مَلابِسَكُم أمْسِ؟	غَسَلْتُم ☐	تَغسِلينَ ☐
٥. أيَّتُهَا الْبِنْتانِ، هَلْ .... الطَّعامَ؟	تَطبُخْنَ ☐	تَطْبُخانِ ☐

التَّمْرينُ السّادِسُ

● در خانه‌های جدول کلمات مناسب بنویسید؛ سپس رمز را پیدا کنید.

حُبوب / عِندَكُم / ما بِكُم / ضَغطُ الدَّم / مُستَوصَفات / حافِلَتانِ / أحَدُكُم / ثاني / مُبين / تَجعَلونَ / مَرَضُ السُّكَّر / خاتَم / مَرَّتَينِ / تَنفَعونَ / طائِرات / تَأمُرونَ

١. یکی از شما
٢.قرص‌ها
٣.دوم
٤.دو اتوبوس
٥.درمانگاه‌ها
٦.فشار خون
٧.دارید
٨.شما را چه می‌شود؟
٩.آشکار
١٠. انگشتر
١١.قرار می‌دهید
١٢.بیماری قند
١٣.دو بار
١٤.فرمان می‌دهید
١٥.هواپیماها
١٦.سود می‌رسانید



رمز: « .... ».

رسولُ اللّهِ صلّى اللّه عليه و آله و سلّم

التَّمْرينُ السّابِعُ

(گفت و گو با زبان قرآن) در گروه‌های دو نفره مکالـمه کنید.

١. كَم مَرَّةً سافَرتَ (سافَرتِ) إلى كَربَلاءَ؟
٢. لِـماذا تَذهَبُ (تَذهَبينَ) إلى مَـكَّةَ؟
٣. هَلْ تَعرفُ (تَعرِفينَ) اللُّغَةَ الْعَرَبيَّةَ؟
٤. كَم عَدَدُ أفرادِ أسرَتِكَ (أُسرَتِكِ)؟
٥. ماذا فـي حَقيبَتِكَ (حَقيبَتِكِ)؟

ساختار درس دوم تا ششم

عربی	فارسی	عربی	فارسی
أنَـا أفْرَحُ.	من شاد می‌شوم.	نَـحْـنُ نَـفْـرَحُ.	ما شاد می‌شویم.
أنتَ تَـفْرَحُ. أنتِ تَـفْرَحـينَ.	تو شاد می‌شوی.	أنتُم تَـفْـرَحـونَ. أنتُـنَّ تَـفْـرَحْـنَ. أنتُما تَـفْرَحـانِ.	شما شاد می‌شوید.
هوَ يَـفْـرَحُ. هيَ تَـفْـرَحُ.	او شاد می‌شود.	درس ۸ و ۹	آنها شاد می‌شوند.

نورُ الـسَّـمـاءِ

بـخوانيد و ترجـمه كنيد.

﴿... لا أقـولُ لَـكُـم عِـنْـدي خَـزائِــنُ اللّهِ وَ لا أعْـلَـمُ الْـغَـيْـبَ﴾ الأنعام ۵۰

....

﴿يَـضْـرِبُ اللّهُ الْأمـثالَ لِـلـنّـاسِ وَ اللّهُ بِـكُـلِّ شَيءٍ عَـلـيـمٌ﴾ النّور ۳۵

....

﴿وَ اللّهُ يَـعْـلَـمُ وَ أنـتُـم لا تَـعْـلَـمـونَ﴾ البقرة ۲۱۶

....



اَلدَّرْسُ السّابِعُ



كانَتْ مَجْموعَةٌ مِنَ الْغِزْلانِ في غابَةٍ بَيـنَ الْجِبالِ وَ الْأنهارِ.

اَلدَّرْسُ السّابِعُ

اَلْمُعْجَم

آباء : پدران «مفرد: أب»
إضاعَة : تلف کردن
ألا : هان
جِبال : کوه‌ها «مفرد: جَبَل»
جَلَبَ| یَجْلِبُ : آورد| می‌آوَرَد
حَطَب : هیزم
حَمامَة : کبوتر
حَوائِج: نیازها «مفرد: حاجَة»
ذِئاب: گرگ‌ها «مفرد: ذِئْب»
رابِع، رابِعَة : چهارم
ضَحِكَ|یَضْحَكُ:خندید|می‌خندد

طائِر : پرنده
عَلَيَّ بِالتَّفَكُّر : باید فکر کنم
(عَلیٰ + ـيْ =
عَلَيَّ: بر من لازم است + بِـ + التَّفَكُّر)
غابَة : جنگل
غِزْلان: آهوها «مفرد: غَزال»
فَرَح: شادی
قالَ: گفت
تَقولينَ: می‌گویی
قُلْتُ : گفتم

فَرْخ: جوجه «جمع: فِراخ»
کُرَةُ الْمِنضَدَةِ : تنیس روی میز
کَما : همان طور که
کُنتُ : بودم ← کانَ: بود
مَجنون، مَجنونة : دیوانه
نَصْر : یاری
واسِع، واسِعَة : پهناور
هَجَمَ|یَهْجُمُ: حمله کرد|حمله می‌کند
یَئِسَ : ناامید شد

﴿... أرْضُ اللّٰهِ واسِعَة...﴾ النساء ۹۷

کانَتْ مَجْموعَةٌ مِنَ الْغِزْلانِ في غابَةٍ بَیْنَ الْجِبالِ وَ الْأنهارِ.



فِي يَـومٍ مِنَ الْـأَيّامِ هَجَمَتْ خَمسَـةُ ذِئـابٍ عَلَى الْـغِزلانِ.



الْغَزالُ الْأَوَّلُ: إِلٰهـي، ماذا نَـفـعَلُ؟

الْغَزالُ الثّاني: لا نَـقـدِرُ عَلَى الدِّفاعِ.

قالَتْ غَـزالَـةٌ صَغيـرَةٌ في نَـفْسِـها: «ما هوَ الْحَـلُّ؟ عَلَـيَّ بِـالتَّـفَـكُّـرِ. سَـأنـجَـحُ».



الْـغَزالَـةُ الصَّغيـرَةُ شاهَدَتْ عُصْفوراً ؛ فَـسَـأَلَـتْـهُ: «هَلْ خَلْفَ تِـلْـكَ الْـجِبالِ عالَمٌ آخَرُ؟»

أَجابَ الْعُصْفورُ: «لا».

الْغزالَـةُ الصَّغيـرَةُ ما يَـئِسَتْ فَـشاهَدَتْ حَمامَـةً وَ سَأَلَـتْـها: «يا أُمَّ الْـفَرخَينِ، هَل وَراءَ تِلْـكَ الْـجِبالِ عالَمٌ غَيرُ عالَمِنا؟ سَمِعَتْ مِنها نَفْسَ الْجَوابِ.



الْـغَزالَـةُ شاهَدَتْ هُدهُـداً وَ سَأَلَـتْـهُ: «هَلْ خَـلْـفَ الْـجِبالِ عالَـمٌ غَيـرُ عالَمِـنا؟»



أجابَ الْـهُدهُدُ: «نَعَم».

فَـصَعِدَت الْـغَزالَـةُ الْـجَبَلَ الْـمُرتَـفِـعَ وَ وَصَلَتْ فَوقَـهُ فَـشاهَدَتْ غابَـةً واسِـعَـةً؛ ثُمَّ رَجَعَتْ وَ قالَتْ لِـآباءِ الْـغِـزلانِ: «أ تَـعْـرِفونَ أنَّ خَلْفَ الْـجِبالِ عالَماً آخَـرَ؟!»

وَ قالَتْ لِأُمَّـهاتِ الْـغِزلانِ: «أ تَـعْـرِفْـنَ أنَّ خَلْفَ الْـجِبالِ عالَماً آخَـرَ؟!»

فَـقالَ الْـغَزالُ الْأوَّلُ بِـغَضَبٍ: كَيفَ تَـقـولـيـنَ هٰـذَا الْـكَلامَ؟!

وَ قالَ الْـغَزالُ الثّانـي: كَـأنَّـكِ مَـجْـنونَـةٌ !

وَ قالَ الْـغَزالُ الثّالِثُ: هيَ تَـكْـذِبُ.

وَ قالَت الْغَزالَـةُ الرّابِعَةُ:   أنتِ تَـكـذِبـيـنَ.

قَـطَـعَ رَئيسُ الْـغِزلانِ كَـلامَـهُـم وَ قالَ:

«هيَ صادِقةٌ لا تَكـذِبُ؛ عِنْـدَما كُـنْـتُ صَغيـراً؛ قالَ لـي طائـِرٌ عاقِلٌ: خَلْفَ الْـجِبالِ عالَمٌ آخَـرُ وَ قُلْتُ ذٰلِـكَ لِرَئيسِنا لٰكِنَّهُ ما قَبِلَ كَلامي و ضَحِكَ.

كَما تَعرِفـونَ أنَـا أطلُبُ صَلاحَـكُم دائِـماً؛ فَـعَلَيـنا بِـالْـمُهاجَـرَةِ.»

صَـعِدَ الْـجَميعُ الْـجَبَلَ وَ وَجَـدوا عالَماً جَديداً وَ فَرِحـوا كَثيـراً.



الْفِعلُ الْمُضارِعُ ⬅ (تَفعَلونَ ، تَفعَلْنَ ، تَفعَلانِ)



أينَ تَذهَبونَ أيُّها الرِّجالُ؟
نَذهَبُ لِلدِّفاعِ عَنِ الْوَطَنِ.



ماذا تَفعَلْنَ أيَّتُها الطّالِباتُ؟
نَصْنَعُ بيتاً.



مَتى تَلعَبانِ كُرَةَ الْمِنضَدَةِ أيُّها الزَّميلانِ؟
نَلعَبُ بَعْدَ دَقيقَةٍ.



إلى أينَ تَذهَبانِ أيَّتُها الْمَرأتانِ؟
نَذهَبُ إلَى عَينِ الْماءِ.



در پاسخ به کلمهٔ پرسشی «مَتی: چه وقت» کلماتی می‌آیند که بر زمان دلالت دارند؛

الْيَومَ / أمْسِ / غَدٍ / صَباح / عَصر / مَساء / لَيل / قَبلَ سَنَتَينِ / بَعدَ أُسبوعَينِ /
فِي الشَّهرِ الْماضي / فِي الشَّهرِ الْقادِمِ

مثال: مَتَى وَصَلْتُم إلَى الْفُندُقِ؟ قَبلَ يَومَينِ.

✍ **ترجمه کنید.**

﴿مَتَی نَصْرُ اللّهِ؟ أَلا إِنَّ نَصْرَ اللّهِ قَرِیبٌ.﴾ البقرة ۲۱۴

....

(گفت و گو با زبان قرآن) در گروه‌های دو نفره مکالمه کنید.

۱. مَتی تَکتُبُ (تَکتَبینَ) واجباتِكَ(واجباتِكِ)؟
۲. مَتی وَصَلْتَ (وَصَلتِ) إلَی الْمَدرَسَةِ؟
۳. مَتی تَخرُجُ (تَخرُجینَ) مِنَ الْمَدرَسَةِ؟
۴. مَتی تَرْجِعُ (تَرجعینَ) إلَی هُنا؟
۵. مَتی تَبدَأُ الِامْتِحاناتُ؟

فنّ ترجمه

در جملهٔ زیرِ تصویر، فعل مفرد به کار رفته در حالی که انجام دهندهٔ آن اسم مثنّی یا جمع است؛ در چنین جمله‌هایی فعل به صورت جمع ترجمه می‌شود؛ مثال:

تَعمَلُ هاتانِ الْفَلّاحَتانِ فِي الْمَزرَعَةِ. این خانم‌های کشاورز در کشتزار **کار می‌کنند**.



جمله‌های زیر را با توجّه به قاعدهٔ ذکر شده ترجمه کنید.

١. تَطبُخُ النِّساءُ طَعامَ السُّفْرَةِ الْعِلميَّةِ. ....

٢. يَخرُجُ اللّاعِبانِ مِنْ ساحَةِ الْمُسابَقَةِ. ....

٣. رَجَعَتْ أخَواتي مِنْ بَيتِ جَدّي. ....

التَّمارين

التَّمْرينُ الْأوَّلُ

با توجّه به متن درس جمله‌های درست و نادرست را مشخّص کنید.

	درست	نادرست
١. الغَزالَةُ الصَّغيرَةُ شاهَدَتْ خَلْفَ الْجَبَلِ بُيوتَ الْفَلّاحينَ.	❑	❑
٢. قَبِلَ رَئيسُ الْغِزلانِ كَلامَ الْغَزالَةِ الصَّغيرَةِ.	❑	❑
٣. الْغَزالَةُ الصَّغيرَةُ قالَتْ: «عَلَيَّ بِالتَّفَكُّرِ».	❑	❑
٤. الْغَزالَةُ الْهُدهُدَ سَألَتْ أوَّلَ مَرَّةٍ.	❑	❑
٥. كانَ عَدَدُ الذِّئابِ خَمْسَةً.	❑	❑

التَّمْرينُ الثّاني

بخوانید و ترجمه کنید.

١. ﴿لَكُم فيها فَواكِهُ كَثيرَةٌ وَ مِنها تَأكُلونَ﴾ المؤمنون ١٩

....

٢. ﴿ قالوا مَنْ فَعَلَ هٰذا بِآلِهَتِنا ﴾ الأنبياء ٥٩

....

٣. ﴿ وَ لا يَظلِمُ رَبُّكَ أحَداً ﴾ الكهف ٤٩

....

٤. ﴿ إنّا جَعَلْناهُ قُرآناً عَرَبيّاً ﴾ الزُّخرُف ٣

....

التَّمْرينُ الثّالِثُ

جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل مضارع خط بکشید.

١. أنتَ تَعْرِفُ اللُّغَةَ الْعَرَبيَّةَ جَيِّداً وَ أخْتُكَ لا تَعْرِفُها مِثْلَكَ.

....

٢. زَميلُكَ لَبِسَ مَلابِسَ خَريفيَّةً فَلِماذا أنتَ لا تَلْبَسُ؟

....

٣. أنتِ شَعَرْتِ بِالْحُزْنِ أمسِ وَ تَشعُرينَ بِالْفَرَحِ الْيَومَ.

....

٤. أنَا أشعُرُ بِالصُّداعِ؛ سَأذهَبُ إلَى الْمُستَوصَفِ.

....

التَّمْرينُ الرّابِعُ

ترجمه كنيد.

ضَحِكْتُ	خنديدم	أضحَكُ	....	تَنصُرُ	ياری می‌کنی	لا تَنصُرُ	....
قَذَفْتِ	انداختی	تَقذِفينَ	....	قَرُبَ	نزديک شد	يَـقرُبُ	....
تَـقطَعُ	می‌بُرد	لا تَقطَعُ	....	مَلَكْنا	فرمانروايی كرديم	نَـملِكُ	....
تَلبَسونَ	می‌پوشيد	لَبِسْتُم	....	غَسَلْتُـنَّ	شستيد	سَتَغسِلْنَ	....
تَقبَلانِ	می‌پذيريد	لاتَقبَلانِ	....	يَفهَمُ	می‌فهمد	سَوفَ يَفهَمُ	....

التَّمْرينُ الْخامِسُ

در خانه‌های جدول كلمات مناسب بنويسيد؛ سپس رمز را پيدا كنيد.

أنهار/ صَداقَة/ عَداوَة / جَعَلوا / يَقذِفنَ / رياضيّ / يَكذِبنَ / حَمامة/ غالِيَة / طالِبَة / حَوائِج / مَلَكوا / أقمار/ أعلام / فَنادِق / عُصفور/ نَظافَة / مِنضَدَة / تَقاعُد / والِدَة / سَألْتُم / سَمَكات / شَهرَينِ

۱	دوستی					
۲	می‌اندازند					
۳	کبوتر					
٤	ماه‌ها					
٥	گران					
٦	فرمانروا شدند					
۷	ورزشکار					
۸	دانش‌آموز					
۹	دشمنی					
۱۰	دو ماه					
۱۱	نیازها					
۱۲	دروغ می‌گویند					
۱۳	قرار دادند					
۱٤	رودها					
۱٥	پرسیدید					
۱٦	ماهی‌ها					
۱۷	بازنشستگی					
۱۸	مادر					
۱۹	پاکیزگی					
۲۰	گنجشک					
۲۱	هتل ها					
۲۲	میز					
۲۳	پرچم ها					

رمز: « .... ». الإمامُ عليٌّ علیه‌السلام

ساختار درس دوم تا هفتم

عربی	فارسی	عربی	فارسی
أنَا أذْهَبُ.	من می‌روم.	نَحْنُ نَذْهَبُ.	ما می‌رویم.
أنتَ تَذْهَبُ. أنتِ تَذْهَبينَ.	تو می‌روی.	أنتُم تَذْهَبونَ. أنتُنَّ تَذْهَبنَ. أنتُما تَذْهَبانِ.	شما می‌روید.
هوَ يَذْهَبُ. هيَ تَذْهَبُ.	او می‌رود.	درس ۸ و ۹	آنها می‌روند.

كَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

إنَّ الْحَسَدَ يَأكُلُ الْحَسَناتِ كَما تَأكُلُ النّارُ الْحَطَبَ. رسولُ اللّهِ صلّى الله عليه وآله وسلّم

....

الْأمانَةُ تَجلِبُ الرِّزقَ وَ الْخيانَةُ تَجلِبُ الْفَقرَ. رسولُ اللّهِ صلّى الله عليه وآله وسلّم

....

إنَّ اللّهَ جَميلٌ يُحِبُّ الْجَمالَ. رسولُ اللّهِ صلّى الله عليه وآله وسلّم

....

إضاعَةُ الْفُرصَةِ غُصَّةٌ. الإمامُ عَليٌّ عليه السلام

....

إنَّ حَوائِجَ النّاسِ إلَيْكُم نِعمَةٌ مِنَ اللّهِ. الإمامُ عَليٌّ عليه السلام

....



اَلدَّرْسُ الثّامِنُ



تَخرُجُ عُصْفورَةٌ مِنْ عُشِّها في مَزرَعَةٍ كَبيرَةٍ.

اَلدَّرْسُ الثّامِنُ

اَلْـمُـعْـجَـم

أقْـرِباء : خویشاوندان «مفرد: قَریب»
تَسألُ فِراخَـها : از جوجه‌هایش می‌پرسد
تَذْهَبانِ : می‌روند ← ذَهَبَ
تَکتُبـانِ : می‌نویسند ← کَتَبَ
حَدَثَ|یَحْدُثُ : اتّفاق افتاد|اتّفاق می‌افتد
حَضَرَ|یَحـضُرُ: حاضر شـد|حاضر می‌شود
خَوْف : ترس، ترسیدن
ساجِد : سَجده کننده

رَأیْتُـهُم لـي ساجِدینَ: آنها را در برابرم سجده‌کنان دیدم
شَمس : خورشید
ضیافَة : مهمانی
عِـزَّة : ارجمندی
عُشّ : لانه
عِندَما : وقتی که
قَـمْح : گندم
کَوکَب : ستاره
مائِـدَة : سفرهٔ غذا
نَـهار : روز (روز هنگام)
یَجْمَعونَ : جمع می‌کنند

یَـعْـتَـمِـدُ : اعتماد می‌کند
یَجلِسونَ، یَجلِسنَ، یَجلِسانِ : می‌نشینند
یَجلِبـونَ، یَجلِبـنَ، یَجلِبانِ : می‌آورند
یَحصُدونَ، یَحصُدنَ، یَحصُدانِ : درو می‌کنند
یَذهَبونَ، یَذهَبـنَ، یَذهَبانِ : می‌روند
یَفعَلـونَ، یَفعَلـنَ، یَفعَلـانِ : انجام می‌دهند

الِاعْتِمادُ عَلَی النَّفْـسِ

تَـخـرُجُ عُـصْفورَةٌ مِنْ عُشِّـها فـي مَزرَعَةٍ کَبیـرَةٍ وَ تَـقـولُ لِـفِراخِـها:



«يا فِراخي، عَلَيكُنَّ بِمُراقَبَةِ حَرَكاتِ صاحِبِ الْمَزرَعَةِ. ماذا يَقولُ وَ يَفعَلُ»؟

الْفَرْخُ الأوَّلُ: صاحِبُ الْمَزرَعَةِ مَعَ جارِهِ يَذهَبانِ إلَى شَجَرَتَينِ وَ يَجلِسانِ بَينَهُما.

الْفَرْخُ الثّاني: زَوجَةُ صاحِبِ الْمَزرَعَةِ وَ جارَتُها تَذهَبانِ إلى نَفْسِ الشَّجَرَتَينِ.

الْفَرْخُ الثّالِثُ: الْجيرانُ يَجلِسونَ عَلَى الْيَمينِ.

الْفَرْخُ الأوَّلُ: الْجاراتُ يَجْلِسْنَ عَلَى الْيَسارِ.

الْفَرْخُ الثّاني: مَا الْخَبَرُ؟ ماذا يَفعَلونَ؟ أ هذِهِ ضِيافَةٌ؟

الْفَرْخُ الثّالِثُ: النِّساءُ يَجلِبْنَ الطَّعامَ وَ الْخُبْزَ وَ يَجلِسْنَ جَنْبَ الْمائِدَةِ.

الْفَرْخُ الأوَّلُ: الرِّجالُ يَجمَعونَ الْحَطَبَ وَ يَجلِبونَ الْماءَ وَ بَعْدَ ذٰلِكَ يَلْعَبونَ.



تَرجِعُ الْأُمُّ وَ تَسألُ فِراخَها: «ماذا حَدَثَ»؟

الْفَرْخُ الثّاني: صاحِبُ الْمَزرَعَةِ طَلَبَ الْمُساعَدَةَ مِنْ جيرانِهِ لِجَمْعِ الْقَمْحِ. عَلَينا بِالْفِرارِ.

أمُّ الْفِراخِ: لا؛ نَحْنُ في أمانٍ في عُشِّنا.

فِي الْيَومِ الثّاني تَخرُجُ الْعُصْفورَةُ مِنَ الْعُشِّ وَ تَقولُ لِفِراخِها:

«عَلَيكُنَّ بِالْمُراقَـبَةِ؛ إضاعَـةُ الْـفُرصَـة غُـصَّـةٌ».

بَعْدَ رُجوعِ الْأُمِّ قالَ الْفَرْخُ الثّالِثُ:

«صاحِبُ الْمَزرَعَةِ طَلَبَ الْمُساعَدَةَ مِنْ أقْـرِبائِـهِ لِـجَمْعِ الْمَحصولِ. عَلَيـنا بِـالْفِرارِ».

أمُّ الْفِراخِ: نَحنُ في أمانٍ.

فِـي الْـيَـومِ الثّالِثِ:

الْفِراخُ: سَمِعْنا أنَّ صاحِبَ الْمَزرَعَةِ يَقولُ سَـأبدَأُ بِجَمْعِ الْقَمحِ بِـنَـفْسي غَداً.

خافَتْ أمُّ الْفِـراخِ وَ قالَـتْ: «الْـآنَ عَلَيـنـا بِـالْـمُهاجَـرَةِ.»



الْفِراخُ يَـسْألْـنَ أُمَّـهُـنَّ: «لِماذا عَلَينا بِـالْـمُهاجَـرَةِ ؟! هوَ وَحيدٌ وَ بِلا صَديـقٍ».

الْأُمّ: عِندَما يَـعْـتَـمِـدُ الإنسانُ عَلَى غَيـرِهِ؛ لا يَـفـعَـلُ شَيئاً مُهِمّاً؛

وَ عِـنْـدَما يَـعْـتَـمِدُ عَلَى نَـفْسِـهِ؛ يَـقْـدِرُ عَلَى كُـلِّ شَيءٍ».

فعل مضارع (٤)

الْفِعلُ الْمُضارِعُ (يَـفـعَـلـونَ ، يَـفـعَـلْـنَ ، يَـفـعَـلـانِ ، تَـفـعَـلـانِ)



ماذا يَـفـعَـلـونَ؟
هُمْ يَـحـصُـدونَ الْـقَمْـحَ.



ماذا يَـرفَـعـنَ؟
هُـنَّ يَـرفَـعـنَ جَوائِزَهُنَّ.



إلى أينَ يَـذهَبـانِ؟
هُما يَـذهَـبـانِ إلى بَيتِـهِما.



أَ هُما تَـكـتُـبـانِ فِـي الدَّفـتَـرِ؟
لا؛ هُما تَـنظُرانِ إلَى صورَتَينِ.

بدانیم

به فعل‌های زیر توجّه کنید.

فعل ماضی	ترجمه	فعل مضارع	ترجمه
هُمْ فَعَلوا هُنَّ فَعَلْنَ هُما فَعَلا هُما فَعَلَتا	آنها انجام دادند.	هُمْ يَفعَلونَ هُنَّ يَفعَلْنَ هُما يَفعَلانِ هُما تَفعَلانِ	آنها انجام می‌دهند.

چرا ترجمهٔ چهار فعل عربی در فارسی یک فعل است؟

....

فنّ ترجمه

به دو جملهٔ زیر دقّت کنید.

الف) أنتُما تَعْمَلانِ جَيِّداً. شما به خوبی کار می‌کنید.

ب) هُما تَعْمَلانِ جَيِّداً. آنها به خوبی کار می‌کنند.

از کجا بدانیم معنای «تَعْمَلانِ» چیست؟

....

با توجّه به قاعده‌ای که خواندید؛ این جمله‌ها را ترجمه کنید.

۱. هاتانِ الْبِنْتانِ تَکْتُبانِ واجِبَهُما؛ أَ أنتُما تَکْتُبانِ أیضاً؟

....

۲. هُما جارَتانِ نَظیفَتانِ تَغسِلانِ ساحَةَ الْبَیتِ. أ أنتُما تَعرِفانِهِما؟

....

التَّمارین

التَّمْرینُ الْأَوَّلُ

با توجّه به متن درس پاسخ درست کدام است؟

۱. لِماذا طَلَبَ صاحِبُ الْمَزرَعَةِ الْمُساعَدَةَ؟

لِجَمعِ مَحصولِ الْقَمْحِ ☐ لِلضّیافَةِ تَحْتَ الشَّجَرَةِ ☐

۲. مَتَی یَقْدِرُ الْإنْسانُ عَلَی کُلِّ شَيءٍ؟

لَمّا یَعتَمِدُ عَلَی الآخَرینَ. ☐ عِنْدَما یَعْتَمِدُ عَلی نَفْسِهِ. ☐

۳. في أيِّ یَومٍ خافَتْ أُمُّ الْفِراخِ مِن صاحِبِ الْمَزرَعَةِ؟ عِندَما...

بَدَأَ بِجَمْعِ الْمَحصولِ بِنَفْسِهِ. ☐ طَلَبَ الْمُساعَدَةَ مِنْ أقْرِبائِهِ. ☐

٤. کَمْ عَدَدُ الْفِراخِ؟

ثَلاثَةٌ ☐ سِتَّةٌ ☐

۵. هَلْ کانَتِ الْمَزرَعَةُ صَغیرَةً؟

نَعَم؛ کانَتْ صَغیرَةً. ☐ لا؛ کانَتْ کَبیرَةً. ☐

التَّمْرينُ الثّاني

● جمله های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل مضارع خط بکشید.

١. ﴿أَلا إِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَلٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لا يَعْلَمونَ﴾ یونس ۵۵

....

٢. أولٰئِكَ الْجاراتُ يَرْجِعْنَ مِنَ الضِّيافَةِ.

....

٣. هاتانِ الطِّفْلَتانِ تَلْعَبانِ بَيْنَ الْأَشْجارِ.

....

٤. هٰذانِ الْفَلّاحانِ يَزْرَعانِ الرُّزَّ فِي الرَّبيعِ.

....

التَّمْرينُ الثّالِثُ

● جمله‌های زیر را با توجّه به تصویر ترجمه کنید.



أولٰئِكَ الْمُجاهِدونَ يَكْتُبونَ رَسائِلَ.

....



هٰؤُلاءِ الْمُجاهِداتُ يَخدِمْنَ لِنَصرِ وَطَنِهِنَّ.

....



ماذا يَزرَعونَ؟
يَزرَعونَ الْقَمْحَ.

....



ماذا يَجْمَعانِ؟
يَجْمَعانِ الْبُرتُقالَ.

....

التَّمْرينُ الرّابِعُ

● ترجمه کنید.

ما رَجَعوا.	برنگشتند.	لا يَرْجِعونَ.	....
قَدَرا.	توانستند.	يَقدِرانِ.	....
يَصْدُقْنَ.	....	صَدَقْنَ.	راست گفتند.
يَأْمُرانِ.	....	سَوفَ يَأمُرانِ.	دستور خواهند داد.
ما نَظَرْتُنَّ.	نگاه نکردید.	لا تَنظُرْنَ.	....

التَّمْرينُ الْخامِسُ

● گزینهٔ مناسب را انتخاب کنید.

١. هاتانِ الْبِنتانِ الْعاقِلَتانِ .... واجِبَهُما. تَكتُبونَ ☐ تَكتُبانِ ☐

٢. الطُّلّابُ سَـ .... إلَى الصُّفوفِ غَداً. يَرجِعونَ ☐ رَجَعَتا ☐

٣. الْمُسافِرانِ .... إلَى الْفُندُقِ أمسِ. تَذهَبونَ ☐ ذَهَبا ☐

٤. الطّالِباتُ .... حَولَ عِلْمِ الْكيمياءِ. يَسأَلْنَ ☐ يَسأَلانِ ☐

التَّمْرينُ السّادِسُ

(گفت و گو با زبان قرآن) در گروه‌های دو نفره مکالـمه کنید.

١. لِماذا تَحضُرُ (تَحْضُرينَ) فِي الْمَدرَسَةِ؟
٢. مَتى تَرجِعُ (تَرجِعينَ) إلى الْبَيتِ؟
٣. أينَ تَأكُلُ (تَأكُلينَ) الطَّعامَ؟
٤. كَم مُعَلِّماً عِندَكَ؟ (كَم مُعَلِّمَةً عِندَكِ؟)
٥. هَل عُشُّ عُصفورٍ فِي مَدرَسَتِكُم (مَدرَسَتِكُنَّ)؟

التَّمْرينُ السّابِعُ

در خانه‌های جدول کلمات مناسب بنویسید؛ سپس رمز را پیدا کنید.

قَمْح / جَوّالات/ قَبلَ سَنَة/ أنفُسُهُم/ ضَحِكْتُنَّ/ يَحرُسونَ/ خَوف/ عِندَما/ ضِيافَة/ فِراخي/ يَئِسوا/ لايَكذِبُ / يَجلِبُ / غِزلان / ساجِد / فِضَّة / أقرِباء / مَحزونَة / واسِعَة / اِبنُ آدَم / جُنود / قافِلَة

١. نگهبانی می‌دهند

٢. دروغ نمی‌گوید

٣. ترسیدن، ترس

٤. خندیدید

٥. وقتی که

٦. می‌آورَد

٧. تلفن‌های همراه

٨. خودشان

٩. مهمانی

١٠. سال گذشته

١١. نا امید شدند

١٢. کاروان

١٣. جوجه‌هایم

١٤. گندم

١٥. نقره

١٦. سجده کننده

١٧. آهوها

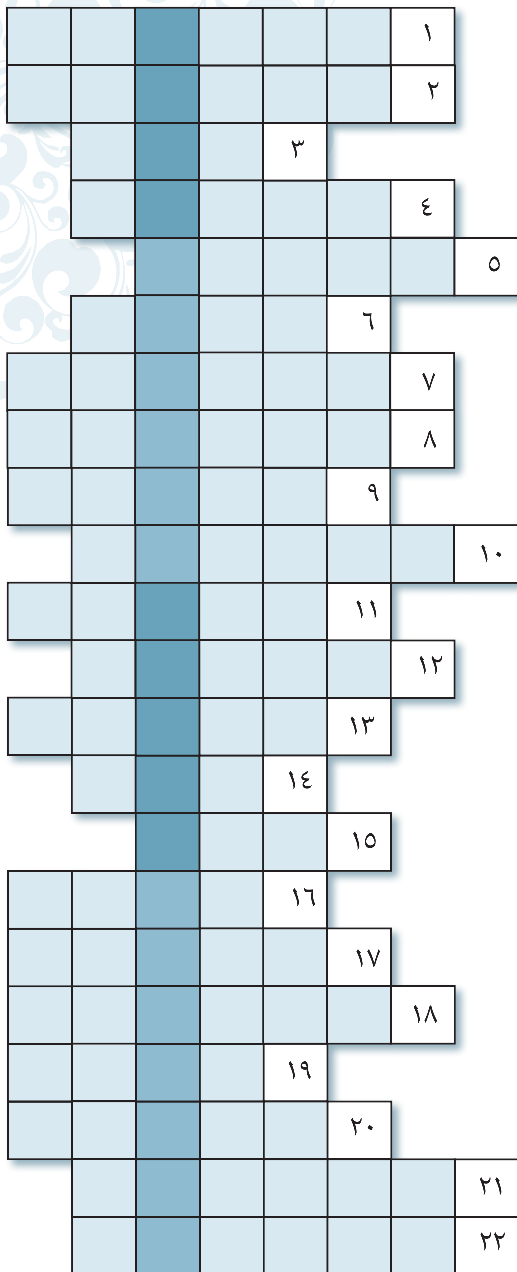
١٨. آدمی‌زاد

١٩. سربازان

٢٠. پهناور

٢١. خویشاوندان

٢٢. غمگین



رمز: « .... ». رسولُ اللّهِ صلّی الله علیه و آله و سلّم

زبان سرخ سر سبز می‌دهد بر باد

ساختار درس دوم تا هشتم

عربی	فارسی	عربی	فارسی
أنَا أسمَعُ.	من می‌شنوم.	نَحنُ نَسمَعُ.	ما می‌شنویم.
أنتَ تَسمَعُ. أنتِ تَسمَعينَ.	تو می‌شنوی.	أنتُم تَسمَعونَ. أنتُنَّ تَسمَعْنَ. أنتُما تَسمَعانِ.	شما می‌شنوید.
هوَ يَسمَعُ. هيَ تَسمَعُ.	او می‌شنود.	هُم يَسمَعونَ. هُنَّ يَسمَعْنَ. هُما يَسمَعانِ. هُما تَسمَعانِ.	آنها می‌شنوند.

نورُ السَّماءِ

بخوانید و ترجمه کنید.

﴿إنّي رَأَيْتُ أحَدَ عَشَرَ كَوكَباً وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ رَأيْتُهُم لي ساجِدينَ﴾ يوسُف ٤

....

﴿لِلّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسولِهِ وَ لِلْمُؤمِنينَ وَلٰكِنَّ الْمُنافِقينَ لا يَعلَمونَ﴾ المنافقون ٨

....

﴿لا يَعلَمُ مَنْ فِي السَّماواتِ وَ الْأرضِ الْغَيبَ إلّا اللّهُ﴾ النَّمل ٦٥

....

﴿إنَّمَا الْمؤمِنونَ إخوَةٌ﴾ الحُجُرات ١٠

....



اَلدَّرْسُ التّاسِعُ



هاتانِ الطّالِبَتانِ تَخرُجانِ مِنْ صَفِّهِما.

اَلدَّرْسُ التّاسِعُ

اَلْـمُـعْـجَـم

أزْهار: شکوفه‌ها، گُل‌ها
«مفرد: زَهْر، زَهْرَة»
أسنان: دندان‌ها «مفرد» سِنّ»
الَّذينَ: کسانی که
أولياء: یاران «مفرد: ولـيّ»
بِـمَ: با چه چیزی «بِـ + ما»
تَهيِئَـة: تهیّه
حُسنَى: نیکوتر، نیکو
الأسماءُ الْحُسنَى: نام‌های نیکو
ذَنب : گناه «جمع: ذُنوب»
سابِع، سابِعَة : هفتم

سادِس، سادِسَة : ششم
سَجَدَ/ يَسجُدُ: سجده کرد/ سجده می‌کند
سَفرَة عِلميَّة : گردش علمی
شاي : چای
شَلّال : آبشار «جمع: شَلّالات»
عَشاء : شام
غَداء : ناهار
غَفَرَ/ يَغفِرُ : آمرزید/ می‌آمرزد
فِرشاة : مسواک
فِضّي: نقره‌ای

فَطور : صبحانه
مُحافَظَة : استان
مَسموح : مجاز
مَطْعَم: غذاخوری، رستوران «جمع: مَطاعِم»
مَعْجونُ أسْنان : خمیر دندان
مَلْعَب : زمین بازی، ورزشگاه «جمع: مَلاعِب»
مِنْشَفَة : حوله

الـسَّـفْـرَةُ الْعِـلْـمـيَّـةُ

طالِباتُ الْمَـدرَسَـةِ مَسرورات لِأَنَّهُنَّ سَوفَ يَذْهَبْنَ لِسَفْرَةٍ عِلْـميَّـةٍ مِنْ شيراز إلَى ياسوج.

الْمُديرَةُ: سَنَذْهَبُ إلَى سَفْرَةٍ عِلميَّـةٍ يَومَ الْخَميسِ فِـي الْأُسبوعِ الْقادِمِ.

عَـلَـيْـكُنَّ بِـمُراعاةِ بَعْضِ الْأُمـورِ:

- تَهيِـئَـةُ الْـمَلابِـسِ الْـمُناسِبَـةِ؛ لِأنَّ الْجَوَّ في ياسوج بارِدٌ.
- تَهيِـئَـةُ مِنْشَـفَـةٍ صَغيرَةٍ وَ كَبيرَةٍ وَ فِرشاةٍ وَ مَعجونِ أسنانٍ.
- الْحُضورُ في ساحَـةِ الْمَدرَسَـةِ في السّاعَةِ السّابِعَـةِ صَباحاً.



الطّالِباتُ يَسْألْنَ الْمُديرَةَ:

الْأُولَى: إلَى أيْنَ نَذْهَبُ يا سَيِّدَتي؟

الْمُديرَةُ: إلَى ياسوج وَ حَولَها.

في هذِهِ الْمُحافَظَةِ غاباتٌ وَ أنْهارٌ وَ أزهارٌ

وَ بَساتينُ وَ عُيونٌ وَ شَلّالاتٌ جَميلَةٌ.



الثّانيةُ: كَمْ يَوْماً نَبْقَى؟

الْمُديرَةُ: ثَلاثَةَ أيّامٍ مِنَ الْخَميسِ إلَى السَّبْتِ.

الثّالِثَةُ: مَتَى نَرْجِعُ؟

الْمُديرَةُ: صَباحَ يَومِ الْأَحَدِ فِي السّاعَةِ السّابِعَةِ.

الرّابِعَةُ: بِمَ نَذهَبُ إلَى هُناكَ؟

الْمُديرَةُ: بِالْحافِلَةِ.

الْخامِسَةُ: أيْنَ نَأكُلُ الطَّعامَ:

الْفَطورَ وَ الْغَداءَ وَ الْعَشاءَ؟ الْمُديرَةُ: في مَطْعَمٍ نَظيفٍ وَ جَيِّدٍ.

السّادِسَةُ: هَلِ الْجَوّالُ مَسْموحٌ لَنا؟ الْمُديرَةُ: نَعَمْ.

السّابِعَةُ: أينَ نَبقَى لِلاِسْتِراحَةِ؟ الْمُديرَةُ: في فُندُقِ الْمُعَلِّمين.

الثّامِنَةُ: هَلْ هُناكَ مَلْعَبٌ؟ الْمُديرَةُ: نَعَمْ؛ ثَلاثَةُ مَلاعِب.

فَرِحَ الْجَميعُ لِهٰذِهِ السَّفْرَةِ الْجَميلَةِ.

الْفِعلُ الْمُضارِعُ (يَفعَلونَ ، يَفعَلْنَ ، يَفعَلانِ ، تَفعَلانِ)



ماذا يَفعَلونَ؟

هُمْ يَسْمَعونَ الْقُرآنَ.

....

....



ماذا يَفعَلْنَ؟

هُنَّ يَسْمَعْنَ الْقُرآنَ.

....

....



ماذا يَفعَلانِ؟

هُما يَجمَعانِ الْأزْهارَ.

....

....



ماذا تَفعَلانِ؟

هُما تَجمَعانِ وَرَقَ الشّايِ.

....

....



بدانیم

پرسش و پاسخ با کلمهٔ پرسشی «کَیفَ: چگونه»:

۱. کَیفَ حالُكَ؟ أنَا بِخَیرٍ. ....

۲. کَیفَ وَصَلْتَ؟ بِسُرعَةٍ. ....



کَیفَ یَخرُجُ الْوَلَدُ مِنَ الصَّفِّ؟

یَخرُجُ سریعاً.

....

....



کَیفَ تَسْـألُ الطّالِبَـةُ؟

تَسألُ مَسرورَةً.

....

....



فنّ ترجمه

گاهی کلمهٔ «عِنْدَ: نـزد» یا «لِـ ، لَـ : برای» برای مالکیّت به کار می‌رود؛ مثال:

﴿لِلّٰهِ الْأسماءُ الْحُسنَى﴾	خدا نام‌های نیکو دارد.	لَنا مَكتَبَـةٌ.	کتابخانه‌ای داریم.
عِنْدَكَ أزهارٌ جَميلَةٌ.	گُل‌های زیبایی داری.	عِنْدَكُم بَيتٌ كَبيرٌ.	خانهٔ بزرگی دارید.
لِـأُمّي خاتَمٌ فِضّيٌّ.	مادرم انگشتر نقره دارد.	لَهُم حَديقَةٌ جَميلَةٌ.	باغ زیبایی دارند.

اکنون این گفت و گوها را ترجمه کنید.



هَل عِندَكَ قَلَمٌ أزرَقُ؟

لا؛ عِنْدي قَلَمٌ أخضَرُ.



هَل عِندَكِ مُعجَمُ الْعَرَبيَّةِ؟

نَعَم؛ عِندي.

التَّمارين

التَّمْرينُ الْأوَّلُ

با توجّه به متن درس به پرسش های زیر پاسخ کوتاه دهید.

١. مَتَى تَذهَبُ الطّالِباتُ إلَى السَّفْرَةِ؟ ....

٢. هَل الْجَوّالُ مَسموحٌ فِي السَّفرَةِ؟ ....

٣. مِن أيِّ مُحافَظَةٍ الطّالِباتُ؟ ....

٤. إلَى أينَ تَذهَبُ الطّالِباتُ؟ ....

٥. بِمَ يَذهَبْنَ إلَى السَّفرَةِ؟ ....

٦. كَيفَ الْجَوُّ في ياسوج؟ ....

٧. كَمْ يَوماً هٰذِهِ السَّفرَةُ؟ ....

التَّمْرينُ الثّاني

جمله‌های زیر را با توجّه به تصویر ترجمه کنید.



أولٰئِكَ الطُّلّابُ يَذهَبونَ إلَى سَفْرَةٍ.

....



أولٰئِكَ الطّالِباتُ يَذهَبْنَ إلَى سَفرَةٍ.

....



هٰذانِ الطّالِبانِ يَخرُجانِ مِنْ صَفِّهِما.

....



هاتانِ الطّالِبَتانِ تَخرُجانِ مِنْ صَفِّهِما.

....

التَّمْرينُ الثّالِثُ

جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل مضارع خط بکشید.

۱. ﴿إنَّ اللّٰهَ لا يَظلِمُ النّاسَ شَيئاً وَلٰكِنَّ النّاسَ أنفُسَهُم يَظلِمونَ﴾ یونس ٤٤

....

٢. ﴿... وَ رَأيتَ النّاسَ يَدخُلونَ في دينِ اللّهِ...﴾ النَّصر ٢

٣.الْمؤمِنونَ يَصْدُقونَ وَ لا يَكذِبونَ فِي الْحَياةِ.

٤. الْأُختانِ سَمِعَتا كَلامَ الْمُعَلِّمَةِ وَ هُما تَعمَلانِ بِهِ.

٥. عِنْدَنا طَعامٌ كَثيرٌ لِلْعَشاءِ عَلَى الْمائِدَةِ؛ نَأكُلُهُ مَعاً.

التَّمْرينُ الرّابِعُ

- گزینهٔ مناسب را انتخاب کنید.

١. شَيءٌ لِحِفظِ صِحَّةِ الْأسْنانِ:	الْفِرْشاة ❒	الْمِنْشَفَة ❒
٢. مَجموعَةٌ مِنَ الْمُدُنِ:	الْمُحافَظَة ❒	الْمَكتَبَة ❒
٣. سَبَبُ جَمالِ الرَّبيعِ:	الْمَعْجون ❒	الأزهار ❒
٤. طَعامُ الصَّباحِ:	الْغَداء ❒	الْفَطور ❒
٥. بَيتُ الطّائِرِ:	الْمُستَوصَف ❒	الْعُشّ ❒

التَّمْرينُ الْخامِسُ

- (گفت و گو با زبان قرآن) در گروه‌های دو نفره مکالمه کنید.

١. كَيفَ حالُ الْوالِدَينِ؟
٢. لِماذا أنتَ (أنتِ) هُنا؟
٣. هَل عِندَكَ (عِندَكِ) مُعجَمُ الْعَرَبيَّةِ؟
٤. إلى أينَ ذَهَبتَ (ذَهَبتِ) في أيّامِ نوروز؟
٥. أ مَدينَةُ كرج بَعيدَةٌ عَن طهران؟

التَّمْرينُ السّادِسُ

زير هر تصوير نام آن را به عربی بنویسید.

حافِلَة / شاي / شَلّال / مِنْشَفَة / فِرْشاة / حَمامَة / أزْهار / خاتَم / عُشّ / عُصْفور / فِراخ / فَرَس



....



....



....



....



....



....



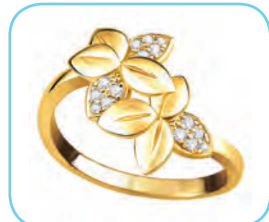
....



....



....



....



....

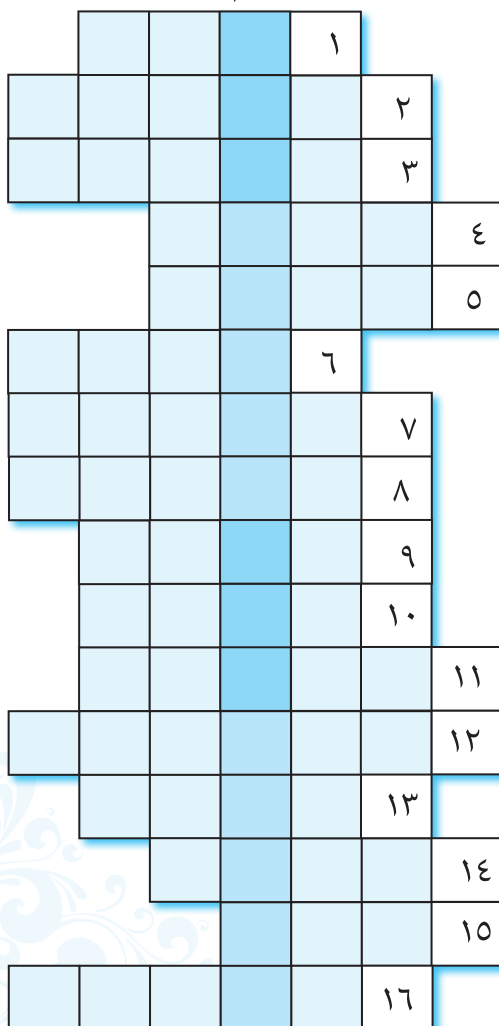


....

التَّمْرينُ السّابِعُ

در جدول کلمات مناسب بنویسید؛ سپس رمز را پیدا کنید.

ثالِث / خائِف / عِندَهُم / مَسموح / حَدَثَ / غَداء / هُناكَ / أَقدام / مَلاعِب / مِنشَفَة / عُصفور / يَصدُقُ / سادِس / شاي / شَلّال / مُحافَظَة



١. اتّفاق افتاد

٢. مُجاز

٣. دارند

٤. ناهار

٥. سوم

٦. ترسیده

٧. ورزشگاه‌ها

٨. پاها

٩. آنجا

١٠. راست می‌گوید

١١. گنجشک

١٢. استان

١٣. آبشار

١٤. ششم

١٥. چای

١٦. حوله

رمز: « .... ». رَسولُ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم

ساختار درس دوم تا نهم

عربی	فارسی	عربی	فارسی
أنَـا أَجْلِسُ.	من می‌نشینم.	نَـحْـنُ نَـجْلِسُ.	ما می‌نشینیم.
أنتَ تَـجْلِسُ. أنتِ تَـجْلِسـينَ.	تو می‌نشینی.	أنتُم تَـجْلِسـونَ. أنتُـنَّ تَـجْلِسـنَ. أنتُما تَـجْلِسـانِ.	شما می‌نشینید.
هوَ يَـجْلِسُ. هيَ تَـجْلِسُ.	او می‌نشیند.	هُم يَـجْلِسـونَ. هُنَّ يَـجْلِسـنَ. هُما يَـجْلِسـانِ. هُما تَـجْلِسـانِ.	آنها می‌نشینند.

نورُ السَّماءِ

بخوانید و ترجمه کنید.

﴿... يَسجُدُ لَهُ مَن فِي السَّماواتِ وَ مَن فِي الْأرضِ وَ الشَّمسُ وَ الْقَمَرُ وَ النُّجومُ وَ الْجِبالُ وَ الشَّجَرِ...﴾ الْحجّ ١٨

....

﴿ألا إنَّ أولياءَ اللّهِ لا خَوفٌ عَلَيهِم وَ لا هُم يَحزَنونَ﴾ يونُس ٦٢

....

﴿الَّذينَ يَجعَلونَ مَعَ اللّهِ إلٰهاً آخَرَ فَسَوفَ يَعلَمونَ﴾ الْحِجْر ٩٦

....

﴿إنَّ اللّهَ يَغفِرُ الذُّنوبَ جَميعاً...﴾ الزُّمَر ٥٣

....

﴿إنَّ اللّهَ مَعَنا﴾ التوبة ٤٠

....

تحقیق کنید نام چه حیواناتی در قرآن آمده است؟ یک روزنامهٔ دیواری در این باره تهیّه کنید.

نَظْرَةٌ إلَى الْفِعْلِ الْمُضارِعِ

	عربی	فارسی
	أنَا أكتُبُ واجِبي.	من تكليفم را می‌نویسم.
	أنتَ تَكتُبُ واجِبَكَ. أنتِ تَكتُبينَ واجِبَكِ.	تو تكليفت را می‌نویسی.
	هوَ يَكتُبُ واجِبَهُ. هيَ تَكتُبُ واجِبَها.	او تكليفش را می‌نویسد.
	نَحْنُ نَكتُبُ واجِبَنا.	ما تكليفمان را می‌نویسیم.

شما تکلیفتان را می‌نویسید.	أنتُم تَکتُبونَ واجِبَکُم. أنتُنَّ تَکتُبْنَ واجِبَکُنَّ. أنتُما تَکتُبانِ واجِبَکُما.	
ایشان تکلیفشان را می‌نویسند.	هُم یَکتُبونَ واجِبَهُم. هُنَّ یَکتُبْنَ واجِبَهُنَّ. هُما یَکتُبانِ واجِبَهُما. هُما تَکتُبانِ واجِبَهُما.	

اَلدَّرْسُ الْعاشِرُ



مَنْ يَعْرِفُ حَديثاً حَوْلَ قيمَةِ الْعِلْمِ؟

الثّاني: الْعِلْمُ كَنْزٌ.

اَلدَّرْسُ الْعاشِرُ

اَلْمُعْجَم

إجابات: پاسخها «مفرد: إجابة»

تاسِع، تاسِعَة: نهم

تَـمر : خرما

ثاني عَشَرَ، ثانيَةَ عَشْرَةَ : دوازدهم

حادي عَشَرَ، حادِيَةَ عَشْرَةَ : يازدهم

عاشِر، عاشِرَة : دهم

هٰـذي : اين «به معناى هٰذِهِ است.»

هَجْـر : دورى

الْحِـكَـمُ

سَـألَ مُعَلِّمُ اللُّغَـةِ الْعَرَبيَّـةِ:



- هَلْ تَعْـرِفونَ حِكَماً؟ — الْأَوَّلُ: نَعَم؛ نَعرِفُ كَـثيـراً.
- مَنْ يَـعْرِفُ حَديثاً حَوْلَ قيـمَـةِ الْعِلْمِ؟ — الثّاني: الْـعِـلْمُ كَـنْـزٌ.
- مَنْ يَـذْكُـرُ حَديثاً عَنِ الِاتِّـحادِ؟ — الثّالِثُ: يَـدُ اللّهِ مَعَ الْـجَماعَـةِ.

- مَنْ يَـعْـلَمُ مِنكُم حِكـمَـةً حَولَ الْفُرصَةِ؟ الرّابِعُ: إضاعَةُ الْـفُرصَةِ غُصَّـةٌ.

- مَنْ يَـقولُ حَديثاً حَوْلَ الأخْلاقِ الْحَسَنَـةِ؟ الْخامِسُ:حُسْـنُ الْـخُلُـقِ نِصْفُ الدّيـنِ.

- مَنْ يَـعْرِفُ حِكْمـةً حَوْلَ مُداراةِ النّاسِ؟ السّادِسُ: سَـلامَةُ الْـعَيْـشِ فِـي الْمُداراةِ.

- مَنْ يَـعْرِفُ مَثَـلاً حَوْلَ صِفَـةِ الْمؤمِنِ؟ السّابِعُ: الْمؤمِنُ قَليلُ الْكَلامِ كَثيرُ الْعَمَلِ.

- مَنْ يَـعْرِفُ حَديثاً حَوْلَ أهَـمّـيَّـةِ الصَّلاةِ؟ الثّامِنُ: الصَّلاةُ عَـمـودُ الدّيـنِ.

- مَنْ يَذكُرُ حَديثاً حَولَ التَّفَكُّرِ؟ التّاسِعُ: تَفَكُّرُ ساعَةٍ خَيْـرٌ مِنْ عِبادَةِ سَبْعينَ سَنَةً.

- ما فائِدَةُ الْـأمثالِ وَ الْحِكَمِ؟ الْعاشِرُ: كُـنـوزُ اللُّـغَـةِ.

- هَلْ تَـعْـرِفونَ إجابَـةً أُخْرَى؟ الْحادِيَ عَشَرَ: نَعَم؛ الْأمثالُ وَالْحِكَمُ ميراثُ أجْدادِنا.

- ما شاءَ اللّهُ! كُـلُّ الْإجاباتِ صَحيحَـةٌ.



بدانیم

الأعـدادُ التَّـرتیـبیَّـةُ

الْأوَّل	الْـأولَـی	السّابِـع	السّابِعَـة
الثّـانـي	الثّانِیَـة	الثّامِن	الثّامِنَـة
الثّالِث	الثّالِثَـة	التّاسِـع	التّاسِعَـة
الرّابِـع	الرّابِعَـة	الْعاشِر	الْعاشِرَة
الْخامِس	الْخامِسَـة	الْحادي عَشَر	الْحادِیَـة عَشْرَة
السّادِس	السّادِسَـة	الثّانـي عَشَر	الثّانِیَة عَشْرَة

التَّمارین

التَّمرینُ الْأوَّلُ

گزینهٔ مناسب را انتخاب کنید.

١. الشَّهرُ .... فِـي السَّنَةِ شَهْـرُ بَهمَن. ☐ الْحادي عَشَرَ ☐ الثّاني عَشَرَ

٢. الْیَـومُ السّادِسُ فِـي الْأُسبوعِ یَـومُ .... ☐ الْأَحَـدِ ☐ الْخَـمیسِ

٣. نحن فِـي هٰذِهِ السَّنَـةِ فِـي الصَّفِّ .... ☐ الثّامِن ☐ الـسّابِـع

٤. لِلْـفائِـزِ .... جائِزَةٌ ذَهَبِـیَّـةٌ. ☐ الْـأوَّلِ ☐ الـرّابِـعِ

٥. الفَصلُ الثّالِثُ فِـي السَّـنَـةِ .... ☐ رَبیعٌ ☐ خَریفٌ

التَّمْرينُ الثّاني

جملهٔ زیر را ترجمه کنید.

الْفاكِهَةُ الْأُولَى رُمّانٌ وَ الثّانيَةُ عِنَبٌ وَ الثّالِثَةُ تُفّاحٌ وَ الرّابِعَةُ موزٌ وَ الْخامِسَةُ بُرتُقالٌ وَ السّادِسَةُ تَمْرٌ.

....

١



٢



٣



٤



٥



٦



التَّمْرينُ الثّالِثُ

● هر توضيح را به كلمۀ مربوط به آن وصل كنيد.

١. لُغَةٌ عالَميَّةٌ في مُنَظَّمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ:	الْمُعْجَم
٢. فَصْلُ الْأزهارِ وَ بِدايَةُ فُصولِ السَّنَةِ:	الْعَرَبيَّة
٣. كِتابٌ يَشْرَحُ مَعاني الْكَلِماتِ:	الرَّبيع
٤. قَطَراتٌ جاريَةٌ مِنَ الْعَيْنَينِ:	الْمَسجِد
٥. مَكانُ الصَّلاةِ عِنْدَ الْمُسلِمينَ:	الدُّموع
٦. طَعامٌ نَأكُلُهُ فِي الصَّباحِ:	السَّنَة
٧. مَكانٌ لِفَحصِ الْمَرضى:	الْفَطور
٨. اِثْناعَشَرَ شَهْراً:	الْمُستَوصَف

التَّمْرينُ الرّابِعُ

● جمله‌های هماهنگ عربی و فارسی را به هم وصل کنید.

خَيرُ الْـأمورِ أوسَطُـها.	تن آدمی‌شریف است به جان آدمیّت نه همین لباس زیبـاست نشان آدمیّت
سُكوتُ اللِّسانِ سَلامَةُ الْـإنسانِ.	عالـم بی عمل به چه مانَد؟ به زنبور بی عسل.
الْعالِمُ بِلا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلا ثَـمَرٍ.	درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد؛ نـهـال دشمنی برکـن که رنـج بی شمار آرد.
مَنْ زَرَعَ الْعُدْوانَ حَصَدَ الْخُسْرانَ.	اندازه نـگـه دار که انـدازه نـکـــوست؛ هم لایق دشمن است و هم لایق دوست.
زينَـةُ الْباطِنِ خَيْـرٌ مِنْ زينَـةِ الظّاهِرِ.	زبان سرخ سر سبز می‌دهد بر باد.

التَّمْرينُ الْخامِسُ

● عقربه‌های هر ساعت را رسم کنید.


الْخامِسَةُ.


الرّابِعَـةُ.


الْعاشِرَةُ.



الْواحِدَةُ.



الثّانيَةُ.



الْحاديَةَ عَشْرَةَ.



السّادِسَةُ.



السّابِعَةُ.



التّاسِعَةُ.

التَّمْرينُ السّادِسُ

● **متن زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر عددهای ترتیبی خط بکشید.**

أيْنَ مَراقِدُ الْأئِمَّةِ عليهم السلام؟

مَرقَدُ الْإمامِ الْأوّلِ عليه السلام في النَّجَفِ الْأشرَفِ؛



وَ مَرقَدُ الْإمامِ الثّاني و الرّابِعِ وَ الْخامِسِ وَ السّادِسِ عليهم‌السلام فِي الْبَقيعِ الشَّريفِ؛



وَ مَرقَدُ الْإمامِ الثّالِثِ عليه‌السلام في كَربَلاءَ؛



وَ مَرقَدُ الْإمامِ السّابِعِ وَ التّاسِعِ عليهما‌السلام فِي الْكاظِميَّةِ؛



وَ مَرقَدُ الْإمامِ الثّامِنِ عليه‌السلام في مَشهَدَ في مُحافَظَةِ خراسانَ الرَّضَويَّةِ؛



وَ مَرقَدُ الْإمامِ الْعاشِرِ وَ الْحادي عَشَرَ عليهما‌السلام في سامَرّاءَ؛



وَ الْإمامُ الثّاني عَشَرَ عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشريف حَيٌّ غائِبٌ عَنِ النَّظَرِ.



التَّمْرينُ السّابِعُ

- **معنای مصراع های عربی این سرودهٔ حافظ را بنویسید.**

از خـون دل نـوشتـم نزدیک دوست نامـه   إنّـي رَأَيْتُ دَهْراً مِنْ هَجْرِكَ الْـقـيامَـه

دارم من از فراقـش در دیده صـد علامـت   لَيْسَتْ دُموعُ عَيْني هٰذي لَنا الْعَـلامَه؟



مُعجَم

كَلِماتُ الصَّفِّ السّابِعِ وَ الثّامِنِ

الف

آباء : پدران «مفرد: أب» ۷

آخَـر : دیگر ۳

آلِهَة : خدایان «مفرد: إلـه» *

أ؟ : آیا؟

أب (أبو، أبا، أبي) : پدر

اِبْتِسام : لبخند

أبصار: دیدگان «مفرد: بَصَر» ۵

اِبنُ آدَم: آدمی‌زاد «اِبن: پسر، فرزند» ٤

أبْيَض : سفید

أتَی| يَـأتـي: آمد| می‌آید ۵

اِثْناعَشَرَ : دوازده

اِثْـنانِ : دو

الاِثْـنَـينِ (يَومُ الاِثْنَينِ) : دوشنبه

أجابَ عَنْ : پاسخ داد به

إجابة : پاسخ ۱۰

أحَبَّ| يُحِبُّ: دوست داشت| دوست دارد ۳

الأحَد (يَومُ الأحَدِ) : یکشنبه

أحَد : کسی

أحَـد : یکی از، کسی ٦

أحَدَعَشَرَ : یازده

إحْدَی : یکی از ۵

إحْسان : نیکی کردن

أحْمَر : سرخ

أحْياء : زندگان «مفرد: حَيّ»

أخ (أخو، أخا، أخي): برادر «جمع: إخْـوَة»

أُخْـت: خواهر «جمع: أخَوات»

أخَـذَ| يَأخُذُ : گرفت، برداشت|می‌گیرد، بر می‌دارد

أخْضَر : سبز

إذا : هرگاه، اگر

أراذِل : فرومایگان، آدم های پست

ألْأربِعاء (يَومُ الْأربِعاءِ) : چهارشنبه

* **تذکّر:** کلمات رنگی مربوط به عربی هفتم هستند.

أَرْبَعَة : چهار

أربَعونَ، أربَعينَ: چهل ٦

أرْض : زمين

أزْرَق : آبی

أزْهار: شکوفه‌ها، گُل ها «مفرد: زَهْر، زَهْرَة» ٩

أُسْبوع : هفته «جمع: أسابيع»

أُسْرَة : خانواده

أسنان : دندان‌ها «مفرد: سِنّ» ٩

أسْوَد : سیاه

اِشْتَرَى : خرید

أصحابُ الْمِهَن: صاحبان شغل‌ها ٣

أصْفَر : زرد

إضاعة : تلف کردن ٧

أعْطَى : داد

أعلَم: داناترین، داناتر ٥

أفاضِل : شایستگان

أفْضَل : برتر، برترین

أقْدام : پاها «مفرد: قَدَم»

أقْرِباء : خویشاوندان «مفرد: قَريب» ٨

أقْمار : ماه‌ها «مفرد: قَمَر» ٥

أكبَر : بزرگ تر

أكَلَ : خورد

ألا : هان ٧

إلّا : به‌جز

الَّذي : کسی که

الَّذينَ : کسانی که ٩

إلى : به، به سوی، تا

إلَى اللِّقاءِ : به امید دیدار

اليَوْمَ : امروز

أُمّ : مادر «جمع: أُمَّهات»

أمْ: يا

أمامَ : روبه رو

أمان : امنیّت

اِمْرَأ (الْمَرْء): انسان

اِمْرَأة (الْمَرْأة): زن «نِساء : زنان»

أمْسِ : دیروز

أَمْن : امنيّت ٣

إنَّ : حقيقتاً، قطعاً

أنَّ : كه

أنَا : من

أنتَ : تو «مذكّر»

أنتِ : تو «مؤنّث»

أنتُمْ : شما «مذكّر»

أنتُما : شما «مثنّى»

أنتُنَّ : شما «مؤنّث»

أنفُسَهُم : به خودشان «مفرد: نَفْس» ٥

أنْفَع : سودمندتر، سودمندترين

إنَّما: فقط ٤

أوْراق : برگ‌ها «مفرد: وَرَق»

أوْسَط : ميانه‌ترين

أُولَى : يكم، نخستين «مؤنّثِ أوَّل» ٦

أولٰئِكَ : آنان

أهْلاً وَ سَهْلاً : خوش آمديد

أيّ؟ : كدام، چه؟

أيْنَ؟ : كجا؟

أيُّها، أيَّتُها : اى

أيضاً : همچنين ٢

باء

بِـ : به وسيلهٔ

باب : در «جمع: أبواب»

بارِد : سرد

بِالتَّأكيد : البتّه ٥

بائِع : فروشنده

بِحاجَة : نيازمند

بَحَثَ عَنْ | يَبحَثُ عَنْ : دنبالِ...گشت | دنبالِ... مى‌گردد

بَحْر : دريا

بَدَأَ بِـ | يَبدَأُ بِـ : شروع كرد به | شروع مى‌كند به

بِدايَة : شروع

بُسْتان : باغ «جمع: بَساتين»

بِسُهولَة : به آسانی ٤

بَسيط: ساده ١

بَعْدَما : پس از اینکه ٥

بَعيد : دور

بَقَرَة : گاو ماده

بَقِيَ : ماند ٥

بِكُلِّ سُرور : با کمالِ میل ٥

بَلْ : بلکه

بِلا : بدونِ

بِلاد : کشور، شهرها «مفرد: بَلَد» ٣

بِمَ : با چه چیزی «بِـ + ما» ٩

بِنْت : دختر «جمع: بَنات»

بَيْت : خانه

بَيْع : فروش ٣

تاء

تاسِع، تاسِعَة : نهم ١٠

تَحْتَ : زیر

تِسْعَة : نُه

تَعَلُّم : یاد گرفتن ٢

تُفّاح : سیب

تَقاعُد : بازنشستگی

تَقَدُّم : پیشرفت ٣

تِلْكَ : آن «مؤنّث»

تَمْر : خرما ١٠

تَهيِئَة : تهیّه ٩

ثاء

ثالِث، ثالِثَة: سوم ٥

ثامِن، ثامِنَة : هشتم ١

ثاني، ثانيَة : دوم ٦

ثانيَ عَشَرَ، ثانيَةَ عَشْرَةَ : دوازدهم ١٠

الثُّلاثاء(يَومُ الثُّلاثاء) : سه‌شنبه

ثَلاثَة : سه

ثُمَّ : سپس

ثَمانيَة : هشت

ثَمَر، ثَمَرَة : میوه

جیم

جاءَ : آمد

جار : همسایه «جمع: جیران» ۵

جالِس : نِشسته

جاهِل : نادان

جِبال : کوه‌ها ۷

جَبَل: کوه

جَدّ : پدربزرگ

جِدّاً : بسیار

جِدار : دیوار

جَدَل : ستیز ٤

جَدَّة : مادربزرگ

جَزاء : پاداش

جَلَبَ| يَجْلِبُ : آورد| می‌آورَد ۷

جَلَسَ| يَجلِسُ : نشست| می‌نشیند

جَليسُ السّوءِ : همنشینِ بد

جَعَلَ| يَجعَلُ : قرار داد| قرار می‌دهد ۲

جَمال : زیبایی

جَمَعَ| يَجمَعُ : جمع کرد| جمع می‌کند

جَميل : زیبا

جَنْب : کنار

جَنَّة : بهشت

جُنْديّ : سرباز «جمع: جُنود»

جَوّ : هوا

جَوّال (الْهاتِفُ الْجَوّالُ): تلفن همراه

جَهل : نادانی

جَيِّداً : خوب، به خوبی

حاء

حاديَ عَشَرَ، حاديَةَ عَشْرَةَ : یازدهم ۱۰

حارّ : گرم

حافِلَة: اتوبوس «جمع: حافِلات» ٦

حُبّ : دوست داشتن

حُبوب مُسَكِّنَة: قرص‌های مسکّن «مفرد: حَبَّـة» ٦

حَبيب : دوست ٥

حَجَر : سنگ «جمع: أحجار، حِجارَة»

حَدّاد : آهنگر ٣

حَدَثَ| يَحْدُثُ : اتّفاق افتاد| اتّفاق می‌افتد ٨

حُدود : مرز، مرزها

حَديقَـة: باغ «جمع: حَدائِق»

حَـرَسَ| يَـحرُسُ : نگهداری کرد، نگهبانی داد| نگهداری می‌کند، نگهبانی می‌دهد ٥

حَزِنَ| يَحزَنُ : غمگین شد| غمگین می‌شود

حَزين : غمگین

حُسام : شمشیر

حَسَد : حسادت ٧

حُسْنُ الْخُلُق : خوش اخلاقی

حُسْنُ الْعَهْدِ : خوش پیمانی

حُسْن: خوبی

حَسَنَة : خوب

حَصَـدَ| يَحصُدُ : درو کرد| درو می‌کند

حَطَب : هیزم ٧

حَفِظَ| يَحفَظُ: حفظ کرد| حفظ می‌کند

حَقيبَـة: کیف، چمدان «جمع: حَقائِب»

حَلْوانـيّ : شیرینی فروش ٣

حَمامَـة : کبوتر ٧

حَمْل : بُردن، حمل کردن ٥

حِوار : گفت و گو

حَوائِـج : نیازها «مفرد: حاجَـة» ٧

حَوْلَ : اطراف

حَياء : شرم

حَياة : زندگی

خاء

خاتَم : انگشتر ٦

خافَ : ترسید

خامِس، خامِسَة : پنجم ٧

خائِف : ترسیده، ترسان

خَبّاز : نانوا ٣

خُبز: نان ٣

خَدَمَ| يَخْدِمُ: خدمت کرد| خدمت می‌کند ٢

خَرَجَ| يَخرُجُ : بیرون رفت| بیرون می‌رود

خَريف : پاییز

خَزائِن : گنجینه ها «مفرد: خِزانَة» ٥

خُسْران : زیان

خَشَب : چوب «جمع: أخْشاب»

خَطايا : گناهان، خطاها «مفرد: خَطيئَة» ٤

خَلْفَ : پشت

خَلَقَ| يَخلُقُ : آفرید| می‌آفریند

خَمْسَة : پنج

الْخَميس (يَومُ الْخَميسِ) : پنجشنبه

خَوْف : ترس، ترسیدن ٨

خَيْر : بهتر، بهترین

دال

دَخَلَ| يَدخُلُ : داخل شد| داخل می‌شود

دَمْع : اشک «جمع: دُموع» ٥

دَوَاء : دارو ٤

دَوَران : چرخیدن

دَهْر : روزگار

ذال

ذاهِب : رفته

ذَكَرَ| يَذكُرُ: یاد کرد| یاد می‌کند

ذٰلِكَ : آن «مذکّر»

ذَنْب : گناه «جمع: ذُنوب» ٩

ذَهَبٌ : طلا

ذَهَبَ| يَذهَبُ : رفت| می‌رود

ذِئب : گرگ «جمع: ذِئاب» ٧

راء

رابِع، رابِعَة : چهارم ٧

رَأی : دید

رَأي : نظر، فکر

رُبَّ : چه بسا

رَبیع : بهار

رَجَعَ| یَرجِعُ : برگشت| بر می‌گردد

رَجُل : مرد «جمع: رِجال»

رُجوع : برگشتن ٤

رَخیصَة : ارزان

رُزّ : برنج ٣

رِسالَة : نامه «جمع: رَسائِل» ٨

رِضا : رضایت

رَفَعَ| یَرفَعُ : بالا بُرد، برداشت| بالا می‌بَرد، بر می‌دارد

رُمّان : انار

ریاضَة : ورزش ٣

ریاضيّ : ورزشکار ٤

زاء

زَرَعَ| یَزرَعُ : کاشت، می‌کارد

زَمیل، زَمیلَة : هم‌شاگردی ٥

زُوّار : زائران، «مفرد: زائر» ۶

زَوجَة : همسر «زَوج: شوهر»

سین

سَـ ، سَوْفَ : نشانهٔ آینده ٣

سابِع، سابِعَة : هفتم ٩

ساجِد : سَجده کننده ٨

ساحَة : حیاط، میدان ٥

سادِس، سادِسَة : ششم ٩

سافَرَ| یُسافِرُ : سفر کرد| سفر می‌کند ٦

سَأَلَ| یَسألُ : پرسید| می‌پرسد

سائِق : راننده

سَبْت : شنبه

سَبْعَة : هفت

سَبْعینَ، سَبْعونَ : هفتاد

سِتَّة : شش

سَجَدَ| یَسجُدُ : سجده کرد| سجده می‌کند ٩

سَحاب : ابر

سَخاوَة : بخشندگی

سِرْوال : شلوار

سَفْـرَة : سفر ٦

سَفرَةٌ عِلميَّـةٌ : گردش علمی ٩

سَفينَة : کشتی

سَلِمَ| يَسلَمُ : سالـم ماند| سالـم می‌ماند

سَماء : آسمان «جمع: سَماوات»

سَمَحَ لِـ |يَسمَحُ لِـ : اجازه داد| اجازه می‌دهد

سَمِعَ| يَسمَعُ : شنيد| می‌شنود

سَمَـك : ماهی «جمع: أسْماك»

سَنَـة : سال «جمع: سَنَوات»

سَنَـة دِراسيَّة : سال تحصيلی ١

سِنْجاب : سنجاب ٤

سوء : بدی، بد

سُوَر : سوره ها «مفرد: سورَة»

سوق : بازار

سَهْل : آسان ٢

سيّارَة : خودرو

سَيِّـد : آقا

سَيِّـدَة : خانم

شين

شارِع : خيابان

شاهَدَ| يُشاهِدُ : ديد| می‌بيند ٤

شاي : چای ٩

شَبَكَة : تور

شِتاء : زمستان

شَجَر، شَجَرَة: درخت «جمع شَجَر: أشْجار»

شِراء : خريدن

شَراب : شربت ٦

شَرِبَ| يَشرَبُ : نوشيد| می‌نوشد

شَرَحَ| يَشرَحُ : شرح داد| شرح می‌دهد ٣

شُـرْطيّ : پليس ٣

شَعَرَ بِـ |یَشعُرُ بِـ : احساسِ...کرد| احساسِ... می‌کند

شَکَرَ| یَشکُرُ : تشکّر کرد| تشکّر می‌کند ٤

شُکْراً جَزیلاً : بسیار متشکّرم

شَلّال : آبشار «جمع: شَلّالات» ٩

شَمس : خورشید

شَهْر : ماه «جمع: شُهور»

صاد

صادِق : راستگو ٤

صارَ |یَصیرُ: شد| می‌شود ٣

صَباحَ الخَیـر، صَباحَ النّور: صبح به خیر

صِحَّة : تندرستی

صُداع : سردرد ٦

صَداقَـة : دوستی

صَدَقَ| یَـصْدُقُ : راست گفت| راست می‌گوید ٤

صَدیق : دوست «جمع: أَصْـدِقاء»

صَـعِدَ| یَصعَدُ : بالا رفت| بالا می‌رود

صِغَـر : خُردسالی، کوچکی

صَغیر : کوچک

صَفّ : کلاس «جمع: صُفوف»

صَلاة : نـماز

صُنْـع : ساختن

صَنَعَ| یَصنَعُ : ساخت| می‌سازد

صورَة : عکس

صَیْف : تابستان

ضاد

ضَحِـكَ| یَضْحَـكُ : خندید| می‌خندد ٧

ضَرَبَ| یَضرِبُ : زد| می‌زند

ضَـغْـطُ الـدَّم : فشار خون ٦

ضیافَـة : مهمانی ٨

ضَیْـف : مهمان «جمع: ضُیوف»

طاء

طالِب: دانش آموز، دانشجو «جمع: طُلّاب»

طائِر : پرنده ٧

طائِرَة : هواپیما ٦

طِبُّ الْعُیون : چشم پزشکی ٣

طَبّاخ : آشپز ٣

طَبَخَ| یَطْبُـخُ| طَبخ : پخت| می‌پزد| پختن ٣

طَرَقَ| یَطرُقُ : کوبید| می‌کوبد

طَعام : خوراک «جمع: أطْعِمَـة» ٤

طَلَبَ| یَطلُبُ : درخـواست کـرد | درخواست می‌کند

ظاء

ظَلَمَ| یَظلِمُ : ستم کرد| ستم می‌کند ٤

عین

عاشَ| یَـعیشُ : زندگی کرد| زندگی می‌کند ٤

عاشِر، عاشِرَة : دهم ١٠

عالَم : جهان«عالَميّ: جهانی، بین الـمللی/ عالَمینَ: جهانیان» ٢

عَباءَة : چادر

عَبْد : بنده

عَبَـرَ| یَعبُـرُ : عبور کرد| عبور می‌کند

عِبـرَة : پند «جمع: عِبَـر»

عَداوَة : دشمنی

عُـدْوان : دشمنی

عَرَفَ| یَعرِفُ : شناخــت، دانست| می شناسـد، می‌داند

عِزَّة : ارجمندی ٨

عُشّ : لانه ٨

عَشاء : شام ٩

عَشَرَة : دَه

عُصْفور : گنجشک «جمع: عَصافیـر» ٥

عَفْواً : ببخشید

عَلَم : پرچم «جمع: أعلام»

عَلِمَ| یَعلَمُ : دانست| می‌داند

عَلَى : بر، روی

عَلَى الْیَمیـنِ : سمت راست

عَلَى الْیَسارِ: سمت چپ

عَلَیْـكَ : بر تو، به زیانِ تو

عَلَیـكَ بِـ ... : بر تو لازم است ... ، تو باید ...

عَمِلَ| یَعمَلُ : انجام داد، کار کرد| انجام می‌دهد، کار می‌کند

عَمود : ستون

عَن : در بارهٔ، از ۱۰

عِنَب : انگور

عِنْدَ : نـزدِ ، کنار، داشتن ۸

عِنْـدَك : داری، نزدِ تو ٦

عِندَما : وقتی که ۸

عَیْـش : زندگی

عَـیْـن : چشم، چشمه «جمع: عُیون» ۳

غین

غابَة : جنگل ۷

غالـیَة : گران

غایَـة : پایان ۳

غَداً : فردا

غَداء : ناهار ۹

غُراب : کلاغ

غُرفَة : اتاق

غَـرِقَ| یَـغـرَقُ : غرق شد| غرق می‌شود ٤

غِزْلان : آهوها «مفرد: غَزالة» ۷

غَسَلَ| یَغسِلُ : شُست| می‌شوید

غَضَب : خشم ٤

غَفَرَ| یَغفِرُ : آمرزید| می‌آمرزد ۹

فاء

فَـ : پس

فاعِل : انجام دهنده

فاكِهَة: میوه «جمع: فَواكِه»

فائِز : بَرنده

فَتَحَ| یَفتَحُ : باز کرد| باز می‌کند

فَحْصَ| یَفْحَصُ| فَحْص: معاینه کرد | معاینه می‌کند | معاینه‌کردن ۳

فَرْخ : جوجه «جمع: فِراخ» ۷

فَرَح : شادی ۷

فَرِحَ| یَفرَحُ : خوشحال شد| خوشحال می‌شود

فَرَس : اسب ٤

فِرشاة : مسواک ۹

فَریضَة: واجبِ دینی

فُسْتان : پیراهنِ زنانه «جمع: فَساتیـن»

فِـضَّـة : نقره ٤

فَطور : صبحانه ٩

فَعَلَ| يَفعَلُ : انجام داد| انجام می‌دهد

فِعْل : کار، انجام دادن ٤

فَـلّاح : کشاورز

فُندُق : هتل

فَـوْقَ : بالا، رویِ

فَـهِـمَ| يَـفـهَـمُ : فهمید| می‌فهمد ٤

فـي : در، داخلِ

في أمانِ اللّهِ : خداحافظ

قاف

قـادِم : آینده ٤

قاطِع : بُـرنده ٣

قافِلَة : کاروان «جمع: قَوافِل» ٦

قالَ| يَقولُ : گفت| می‌گوید

قالَ فِي نَفْسِهِ : با خودش گفت

قَبْلَ أُسبوعٍ : هفتهٔ قبل ٥

قَبْلَ شَهْرٍ : ماه قبل ٥

قَبِلَ| يَقبَلُ : پذیرفت| می‌پذیرد

قَبيح : زشت

قَـدَرَ| يَـقْدِرُ : توانست| می‌تواند ٢

قَذَفَ| يَقذِفُ : انداخت| می‌اندازد

قَـرَأَ | يَقرَأ: خوانْـد| می‌خوانَـد

قَـرُبَ مِنْ| يَقرُبُ مِنْ : نزدیک شد به| نزدیـک می‌شود به

قَريبٌ مِنْ: نزدیک به

قَريَـة : روستا

قَصير : کوتاه

قَطَعَ| يَقطَعُ : بُرید| می‌بُرد

قَليل : کم

قَـمْح : گندم ٨

قَمَر: ماه «جمع: أقمار»

قَميص: پیراهن

قَول : گفتار ٤

قيمَة: ارزش، قيمت

كاف

كَـ : مانندِ

ـكَ : ـَت ، ـِ تو

ـكِ : ـَت ، ـِ تو «مؤنّث»

كاتِب : نويسنده

كانَ : بود

كَأنَّ : گويا، انگار ٢

كَبير : بزرگ

كَتَبَ| يَكتُبُ : نوشت| می‌نويسد

كَتَمَ| يَكتُمُ : پنهان كرد| پنهان می‌كند ٢

كَثير : بسيار

كَذَبَ| يَكْذِبُ: دروغ گفت| دروغ می‌گويد ٤

كُرَةُ الْقَدَم : فوتبال «كُرة: توپ/ الْقَدَم: پا» ٣

كُرَةُ الْمِنضَدَة : تنيس روی ميز ٧

كُرْسيّ : صندلی «جمع: كَراسيّ»

كَلام : سخن

ـكُمْ : ـِتان ، ـِ شما «مذكّر»

كَمْ : چند، چقدر

كَما : همان طور كه ٧

ـكُما : ـِتان ، ـِ شما «مثنّی»

ـكُنَّ : ـِتان ، ـِ شما «مؤنّث»

كَنْز : گنج «جمع: كُنوز»

كَيْفَ : چطور

كيمياء : شيمی

لام

لِـ : دارد، برای ٦

لا : حرف نفی مضارع ٦

لا : نه، هيچ نيست

لا خَيْرَ : هيچ خيری نيست ٤

لا شَيءَ : هيچ چيزی نيست ٧

لا فَرْقَ: هيچ فرقی نيست

لاعِب : بازيكن

لِـأنَّ : زیرا

لَبِسَ| یَلبَسُ : پوشید| می‌پوشد

لِذا : بنابراین ٤

لِسان : زبان

لَعِبَ| یَلعَبُ : بازی کرد| بازی می‌کند

لُـغَـة : زبان

لٰكِنَّ (لٰكِنْ) : ولی

لَـكَ : برایت، به سودِ تو

لَمّا : هنگامی‌که

لِماذا : چرا

لِـمَـنْ : مالِ چه کسی، مال چه کسانی

لَـوْحَـة : تابلو

لَوْن : رنگ «جمع: ألْوان»

لَیْـسَ : نیست

لَیْسَ لَهُ : ندارد، برایش نیست ٥

لَیْـل : شب

میم

ما؟ : چه، چه چیز، چیست؟

ما بِـكَ؟ : تو را چه می‌شود؟ ٦

ما: حرف نفی ماضی

مـاء : آب

ماذا؟ : چه، چه چیز؟

مائِـدَة : سفرهٔ غذا ٨

مَبْـروك : مبارک

مُبین : آشکار، آشکارکننده ٢

مَتَى؟ : چه وقت؟ ٥

مُجالَسَـة : همنشینی

مُجِدّ : کوشا

مَجنون : دیوانه ٧

مَجْهول : ناشناخته، گمنام

مُحافَظَة : استان ٩

مُختَـبَـر : آزمایشگاه ٤

مُدارة : مدارا کردن

مُدَرِّس : معلّم

مَدينَة : شهر«جمع: مُدُن»

مُراجَعَة: دوره ١

مَرْأة (الْمَرْأة) : زن

مَـرَّة: بار، دفعه ٦

مَـرَضُ السُّكَّر: بیماری قند ٦

مَرْضَـى : بیماران «مفرد: مَریض» ٣

مَساء: شب، بعد از ظهر ٦

مُساعَدَة : کمک

مُسْتَوْصَف: درمانگاه ٦

مَسْرور : خوشحال

مَسموح : مجاز ٩

مِصباح: چراغ «جمع: مَصابیح» ٥

مُصْحَف : قرآن

مَصْنَع : کارخانه

مَطْعَم : غذاخوری، رستوران ٩

مَـعَ : با، همراهِ

مَـعَ السَّلامَـة : به سلامت

مَعاً : با هم ٥

مَعْجونُ أسْنان : خمیر دندان ٩

مِفْـتاح : کلید «جمع: مَفاتیح»

مَكـتَبَـة : کتابخانه

مَـلابِس : لباس‌ها

مَلْعَب : زمین بازی، ورزشگاه «جمع: مَلاعِب» ٩

مَلَـكَ : فرمانروا شد

مُمَـرِّض : پرستار ٣

مَمْلوء بِـ : پُر از

مِنْ : از

مِنْ أينَ: از کجا، اهل کجا

مَـنْ؟ : چه کسی، چه کسانی؟

مَنْ : هرکس

مِنْشَفَة : حوله ٩

مِنْضَدَة : میز

مُنَظَّمَةُ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ : سازمان ملل متّحد ٢

مَوْت : مرگ

موَظَّف : کارمند ٣

مُهِمَّةٌ إداريَّةٌ : مأموريّت اداری ۵

مِهْنَة : شغل «جمع: مِهَن» ۳

مَهَندِسٌ زِراعيٌّ : مهندس کشاورزی ۳

نون

ـنا : ـِمان ، ـِ ما

ناجِح : موفّق، پیروز

نار : آتش

ناس : مردم

نافِذَة : پنجره

نَجَحَ| يَنْجَحُ : موفّق شد| موفّق می‌شود ۲

نَحْنُ : ما

نَدِمَ| يَندَمُ : پشیمان شد| پشیمان می‌شود

نِساء : زنان

نَسِيَ : فراموش کرد

نِسْيان : فراموشی

نَصَرَ| يَنصُرُ : یاری کرد| یاری می‌کند

نَصْر: یاری ۷

نُصوص : متن‌ها «مفرد: نَصّ» ۲

نَظَرٌ : نگاه

نَظَرَ| يَنظُرُ : نگاه کرد| نگاه می‌کند

نَظيف : پاکیزه

نَعَمْ : بله

نَفْس : خود ٤

نَفْس : همان ۵

نَفَعَ| يَنفَعُ : سود رساند| سود می‌رسانَد ٤

نَهار : روز

نِهايَة : پایان

نَهْر : رودخانه «جمع: أنْهار» ٤

نيَّة : نیّت «جمع: نیّات»

واو

واجِب : تکلیف

واحِد : یک

واسِع، واسِعَة : پهناور ۷

واقِف : ایستاده

والِد : پدر

والِدَة : مادر

والِدَينِ، والِدانِ : پدر و مادر

وَجَدَ : پیدا کرد

وَجَع : درد

وَجْه : چهره

وَحْدَة : تنهایی

وَحْدَكَ : تو به تنهایی

وَحید : تنها

وَراءَ : پشت

وَردَة : گُل

وَصْفَة : نسخه ٦

وَصَلَ : رسید

وَقَعَ : افتاد

وَقَفَ : ایستاد

وَلَد: پسر، فرزند «جمع: أوْلاد»

وَليّ : یار «جمع: أولياء» ٩

هاء

ـهُ : او ، ـَش ، آن

ـها : ـَش ، ـِ او ، ـِ آن

هاتانِ : این دو، اینها «مؤنّث»

هَجْر : دوری ١٠

هَجَمَ |يَهْجُمُ: حمله کرد| : حمله می‌کند ٧

هٰذا : این «مذکّر»

هٰذانِ : این دو، اینها «مذکّر»

هٰذِهِ : این «مؤنّث»

هٰذي : این «به معنای هٰذِهِ» ١٠

هَرَبَ| يَهرُبُ : فرار کرد| فرار می‌کند

هَلْ؟ : آیا؟

هَلَكَ| يَهلِكُ: مُرد، هلاک شد

هُمْ : آنها، ایشان «مذکّر»

ـهُمْ : ـِشان ، ـِ آنها «مذکّر»

هُما : آن دو، آنها

ـهُما : ـِشان ، ـِ آن دو، آنها «مثنّی»

هُـنَّ : آنها، ایشان «مؤنّث»

ـهُنَّ : ـِشان ، ـِ آنها «مؤنّث»

هُنا : اینجا

هُناكَ : آنجا

هوَ : او «مذکّر»

هٰـؤلاءِ : اینان

هيَ : او «مؤنّث»

یاء

ـي : ـَم ، ـِ من

یا : ای

یالَیـتَـني! : ای کاش من!

یَـد : دست

یَسار : چپ

یَـعْـتَـمِـدُ : اعتماد می‌کند ۸

یَـمیـن : راست

یَـوْم : روز «جمع: أیّـام»

یَئِسَ : ناامید شد ۷



أيُّهَا الْأَصْـدِقـاءُ ،

وَصَـلْـنا إِلَـى نِـهـايَـةِ الـسَّـنَـةِ الدِّراسيَّةِ؛

فـي أمانِ اللّٰهِ ؛

وَ إلَـى الـلِّـقـاءِ فِـي الـصَّـفِّ التّاسِـعِ ؛

اللّٰهُ يَـحْـفَـظُـكُـم ؛

سَوْفَ نُـشاهِـدُكُـمْ إنْ شاءَ اللّٰهُ ؛

مَـعَ الـسَّـلـامَـةِ.



معلّمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظراصلاحی خود را دربارهٔ مطالب این کتاب ازطریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۱۵۸۵۵/۳۶۳- گروه درسی مربوط و یا پیام نگار (**Email**) **talif@talif.sch.ir** ارسال نمایند.

دفتر تألیف کتاب های درسی ابتدایی و متوسطه نظری